

نشریه نوسان شماره سوم
انجمن علمی دانشجویی اقتصاد
دانشگاه صنعتی شاهرود؛ اردیبهشت ماه ۱۴۰۴



نوسان

NAVASAN

مصاحبه با دکتر زهرا کریمی موغاری
نقش زنان در توسعه
اقتصاد سبز و توسعه پایدار
چند هشدار برای سیاستگذار اقتصادی
جدول اقتصاد





دانشگاه صنعتی شاهرود
انجمن علمی دانشجویی اقتصاد
نُشره نوسان شماره سوم؛ اردیبهشت ۱۴۰۴

هیئت تحریریه: (اسامی به ترتیب حروف الفبا)

عطیه اشرفی
محدثه ذاقلی
حانیه رضازاده
سوگند سادات ساداتی
مهلا سرابی نژاد
فاطمه علیپور
درسا علیجانی
محسن فرخنده عمل اقدم
زینب سادات میرآقائی
آیناز وکیلی
زهره هاشمی
فاطمه زهره یعقوبی

صاحب امتیاز: انجمن علمی دانشجویی

اقتصاد دانشگاه صنعتی شاهرود

مدیر مسئول: محسن فرخنده عمل اقدم

سردبیر: ابوالفضل جورابچی

مشاور علمی: دکتر عاطفه مزینانی عضو

هیئت علمی دانشگاه صنعتی شاهرود

مدیر اجرایی: زهره ابراهیمی

ویراستار: زهره ابراهیمی

طراح و صفحه آرا: مونا عرب احمدی

سرپرست تحریریه: محسن فرخنده عمل

اقدم

سرپرست مصاحبه: حمیده محرمی

سرپرست فرهنگی و سرگرمی: محدثه

ذاقلی

آدرس دانشگاه : شاهرود، میدان هفتم تیر، دانشگاه صنعتی شاهرود

شماره تماس دانشگاه : ۹ - ۰۲۳۳۳۳۹۲۲۰۴

شماره تماس سردبیر : ۰۹۱۹۲۲۵۶۳۶۶

ایمیل سردبیر : abolfazljoorabchi@shahroodut.ac.ir

-از کلیه نویسندگان و صاحبان اندیشه دعوت به عمل می‌آوریم در صورت تمایل به همکاری، ما را با ارسال آثار خود در هر چه غنیتز کردن محتوای نشریه یاری دهند.
-آراء و نظرات نویسندگان نظر نشریه نیست.
-نشریه در ویرایش و خالصه کردن آثار ارسالی آزاد است.
-مقالات و عکسهای ارسالی به هیچ عنوان مسترد نخواهد شد.

فهرست

سخن سردبیر

مصاحبه با موضوع:

- ۱ تاثیر سازمان برنامه و بودجه بر توسعه کشور
- ۶ بررسی برخی ابعاد بودجه سال ۱۴۰۴
- ۸ نقش زنان در توسعه اقتصادی و اجتماعی
- ۱۱ اقتصاد سبز و توسعه پایدار
- ۱۳ نقش نهادهای بین المللی در توسعه
- ۱۶ چند هشدار برای سیاستگذاران اقتصادی
- ۲۰ بررسی وضعیت گروههای جمعیتی مختلف در کشور
- ۲۳ تاریخچه مذاکرات ایران و آمریکا
- ۲۶ آشنایی با پرفسور محمد هاشم پسران
- ۲۷ گزارشی از پادکست نوروزی نشریه نوسان
- ۲۸ باور کنید یا نه!
- ۲۹ جدول اقتصاد

سخن سردبیر

بسمه تعالی

کوچک‌تری از جامعه ایران، با سرمایه گذاری بر توانمندی‌های خود، نهایت تلاش را در تولید یک اثر علمی، در راستای تحقق اهداف شعار سال به عمل آورد.

در نهایت از تلاش، همت و همکاری تمام اساتید و دانشجویان گرامی که ما را در پیشبرد اهداف این گروه یاری کردند کمال تقدیر و تشکر را دارم. حضور فعال و مشارکت موثر هر یک از شما، نقش مهمی در موفقیت و پیشرفت این مجموعه ایفا می‌کند.

از زحمات و تعهد شما سپاسگزارم و امیدوارم در آینده نیز با همکاری و همیاری، به نتایج مطلوب دست یابیم.

با احترام
سردبیر؛ ابوالفضل جورابچی



که بازدهی فرد را در جامعه افزایش می‌دهند؛ به نحوی که یک نیروی کار ماهر، علاوه بر دستمزد بالاتر، بهره‌وری کلی اقتصاد را تقویت می‌کند.

به طور کلی سرمایه‌گذاری برای تولید انتخابی است که سرنوشت فردی و جمعی ما را تعیین می‌کند. این انتخاب می‌تواند بین "مصرف‌کننده بودن" یا "تولیدکننده بودن" باشد. فردی که مهارت‌هایش را ارتقا می‌دهد یا در سلامت خود سرمایه‌گذاری می‌کند، نه تنها کیفیت زندگی خود را بهبود می‌بخشد، بلکه سنگ بنای جامعه‌ای پویا را می‌گذارد. در این بین جامعه دانشگاهی نقش انکارناپذیر در رشد و ارتقاء علمی، اقتصادی، فرهنگی و اجتماعی کشور خواهد داشت.

تیم نشریه نوسان نیز خط مشی خود را بر اساس مفهوم شعار امسال تعیین نمود و سعی کرد به عنوان بخش کوچکی از این جامعه علمی فرهیخته و همچنین بخش

در ابتدای سال جدید رهبر انقلاب، در پیامی به مناسبت آغاز سال نو، سال ۱۴۰۴ را با عنوان «سرمایه‌گذاری برای تولید» نامگذاری کردند.

سرمایه‌گذاری برای تولید، فراتر از یک استراتژی اقتصادی، می‌تواند همانند پلی باشد که رشد فردی و توسعه جامعه را به هم پیوند می‌زند. این مفهوم در سطح کلان، با ایجاد اشتغال، کاهش فقر و تقویت خودکفایی ملی، پایه‌های اقتصاد مقاومتی را می‌سازد. اما به نظر ما، دامنه شعار امسال تنها محدود به بخش کلان اقتصاد نیست و می‌توان نمودهای آن را در بخش خرد اقتصاد هم مشاهده کرد؛ به گونه‌ای که هر فرد به نوعی می‌تواند یک واحد تولیدی باشد که موفقیت او به سرمایه‌گذاری به روی خودش وابسته است. آموزش مهارت‌های نوین مانند برنامه نویسی یا زبان‌های خارجی، سلامت جسم و روان و جسارت کارآفرینی، همگی سرمایه‌هایی هستند

تاثیر سازمان برنامه و بودجه بر روی توسعه کشور

مصاحبه کنندگان :

حمیده محرمی

دانشجو دکتری
دانشگاه مازندران



و

فاطمه علیپور

دانشجو کارشناسی
دانشگاه صنعتی شاهرود
روندی 402



شوند. تلاش برای رفع تنگناها و عبور از موانع رشد بلندمدت، از مهم‌ترین اهداف این نهاد بود. به‌واقع می‌توان گفت سازمان برنامه و بودجه به عنوان متولی توسعه کشور، در پی جنگ جهانی دوم پا به عرصه وجود گذاشت و با وجود فراز و نشیب‌های بسیار، همچنان به نقش‌آفرینی خود ادامه می‌دهد.

درس‌هایی از تجارب جهانی در مسیر توسعه

بررسی تجربه کشورهای موفق همچون تایوان و کره جنوبی نشان می‌دهد که نقش دولت‌ها در فرآیند توسعه اقتصادی بسیار پررنگ و تعیین کننده بوده است. در این کشورها، دولت‌ها نه تنها مسئول تدوین برنامه‌های کلان توسعه‌ای بوده‌اند، بلکه با شناسایی شرکت‌هایی که ظرفیت ایجاد تحرک جدی در اقتصاد را داشته‌اند، به حمایت همه‌جانبه از آن‌ها پرداخته‌اند. این حمایت‌ها شامل تخصیص ارز، ارائه تسهیلات مالی و فراهم کردن بستر رشد برای این شرکت‌ها بوده است.

در چنین چارچوبی، سازمان برنامه و بودجه می‌تواند در مقام نهاد سیاست‌گذار، با تدوین و هدایت سیاست‌های کلان اقتصادی، نقش محوری در فرآیند توسعه ایفا کند. این الگو در سایر کشورها نیز دیده شده است؛ به عنوان نمونه، وزارت صنعت و تجارت خارجی ژاپن (MITI) در دهه‌های گذشته به عنوان نهاد متولی توسعه، نقش مؤثری در طراحی تحولات صنعتی این کشور در پیوند با تجارت بین‌الملل داشته است.

در ایران، نقش سیاست‌گذاری و هدایت توسعه اقتصادی به‌طور سنتی بر عهده سازمان برنامه و بودجه قرار داشته است. این سازمان در تعامل و همکاری نزدیک با سایر نهادهای کلیدی اقتصادی کشور، از جمله وزارت امور اقتصادی و دارایی و بانک مرکزی، ساختارهایی نظیر ستاد اقتصادی دولت را شکل داده‌اند. وظیفه این نهادهای هم‌افزا، تدوین و اجرای سیاست‌هایی هماهنگ است که بتوانند اقتصاد کشور را در مسیر توسعه‌ای پایدار و بلندمدت هدایت کنند. تحقق این هدف نیازمند انسجام نهادی، هم‌سویی در تصمیم‌گیری‌ها و تمرکز بر برنامه‌های جامع و آینده‌نگر است.

تجربه کشورهای موفق بارها نشان داده است که نقش دولت در تخصیص بهینه منابع کمیاب نقشی کلیدی و غیرقابل چشم‌پوشی بوده است. اگرچه سازوکار بازار به‌طور طبیعی در جهت حداکثرسازی سود شرکت‌ها عمل می‌کند، اما به تنهایی نمی‌تواند تحول ساختاری در اقتصاد را تضمین کند. برای نمونه، در اقتصاد ایران همواره مزیت‌هایی در صادرات محصولات نظیر زعفران، پسته یا چرم وجود داشته، اما صادرات صنعتی جایگاهی نداشته و اولویت نیافته است. در واقع، تولیدات صنعتی ایران فاقد مزیت رقابتی بوده‌اند و کشور عمدتاً واردکننده این کالاها باقی مانده است.

در چنین شرایطی، مداخله هدفمند دولت از طریق طراحی سیاست‌های مشوق و حمایتی، برای هدایت بخش خصوصی از واردات به تولید صنعتی ضروری است. اینجاست که نقش سازمان برنامه و بودجه، همراه با سایر نهادهای اقتصادی و به‌ویژه ستاد اقتصادی دولت، اهمیت می‌یابد. هماهنگی میان این نهادها در تدوین سیاست‌هایی که مسیر توسعه صنعتی کشور را هموار کند، امری حیاتی است.

واقعیت این است که در هیچ‌کجای جهان، توسعه صرفاً به واسطه سازوکار بازار و بدون مداخله دولت حاصل نشده است. حتی کشورهایمانند ژاپن، انگلستان و سایر کشورهای اروپایی، زمانی که در مرز دانش نبودند، با اتکا به حمایت‌های دولتی توانستند عقب‌ماندگی‌های صنعتی خود را جبران کنند. در ایران نیز این مسئولیت بر عهده سازمان برنامه بوده است. البته، توسعه صرفاً به معنای رشد تکنولوژیک و صنعتی نیست، بلکه همراه با آن باید به مسئله کاهش فقر و نابرابری نیز توجه شود. در برنامه‌های عمرانی پیش از انقلاب و به‌ویژه در برنامه‌های توسعه‌ای پس از انقلاب (با برجستگی بیشتر در برنامه چهارم توسعه) موضوع حمایت از اقشار آسیب‌پذیر به طور جدی مورد توجه قرار گرفته است. این نشان می‌دهد که سیاست‌گذاری برای کاهش نابرابری، از وظایف اساسی سازمان برنامه و بودجه است، چرا که توسعه واقعی بدون عدالت اجتماعی امکان‌پذیر نخواهد بود.

در مسیر توسعه، ارتقاء سطح رفاه و استقرار زیرساخت‌های پایدار در یک کشور، نقش سازمان برنامه و بودجه به عنوان یکی از مهم‌ترین نهادهای سیاست‌گذاری و تخصیص منابع مالی، انکارناپذیر است. در این راستا، مصاحبه‌ای با خانم دکتر زهرا کریمی موعاری، هیئت علمی بازنشسته دانشگاه مازندران، و آقای دانیال داوودی، دانشجوی مقطع دکتری و پژوهشگر توسعه اقتصادی، انجام شد. هدف این گفت‌وگو بررسی کلیات و جزئیات فعالیت این نهاد و تحلیل تأثیرات آن بر روند توسعه کشور است.



توضیحات خانم دکتر زهرا کریمی موعاری

(عضو هیئت علمی بازنشسته)

دانشگاه مازندران

سازمان برنامه و بودجه؛ نهادی برای توسعه پس از جنگ جهانی دوم

سازمان برنامه و بودجه در سال ۱۳۲۷ هجری شمسی (۱۹۴۸ میلادی) با هدف ساماندهی امور اقتصادی کشور تأسیس شد. در همان سال‌های آغازین، این سازمان طراحی و اجرای پروژه‌هایی را در دستور کار قرار داد که با اولویت‌بندی صحیح، بتوانند چرخ‌های اقتصاد ایران را به حرکت درآورده و زمینه‌ساز توسعه‌ای پایدار

با این حال، دستیابی به این اهداف تنها از عهده یک نهاد مانند سازمان برنامه برنمی آید. تحقق توسعه نیازمند انسجام کل نظام حکمرانی، وجود ستاد اقتصادی هماهنگ و سیاست خارجی تسهیل گر است. چنانچه اهداف توسعه ای بدون سازگاری میان نهادها تعیین شوند، نتیجه آن چیزی جز ماندن برنامه ها روی کاغذ نخواهد بود. متأسفانه، یکی از چالش های اصلی نیز همین بحث است، زمانی که ناهماهنگی بین نهادها وجود داشته باشد توسعه ناممکن می شود.

در ادامه، با طرح پرسش هایی از جناب آقای داوودی، که به صورت تخصصی در زمینه سازمان برنامه و بودجه کشور مشغول به پژوهش هستند، تلاش خواهیم کرد ابعاد مختلف این نهاد کلیدی در فرآیند توسعه ملی را مورد بررسی و تحلیل قرار دهیم.



۱) “سازمان برنامه و بودجه چگونه می تواند فرآیندهای تصمیم گیری بین وزارتخانه ها و سازمان های مختلف دولتی را هماهنگ کند تا تخصیص منابع به شکلی مؤثرتر و کارآمدتر انجام شود؟” به عبارتی “آیا مشکلات و چالش هایی در تعاملات نهادی میان سازمان برنامه و بودجه با دیگر نهادهای اقتصادی وجود دارد؟ چگونه این چالش ها می توانند بر کارایی تخصیص منابع تأثیر بگذارند؟”

پاسخ:

سازمان برنامه و بودجه به عنوان نهاد کلیدی در

نظام اقتصادی ایران، با چالش های ساختاری و نهادی متعددی در هماهنگی بین دستگاه های اجرایی و تخصیص بهینه منابع مواجه است. این چالش ها ناشی از ضعف در نظام برنامه ریزی، تعارض منافع، و ناهماهنگی بین نهادهای سیاست گذار است که تأثیر مستقیمی بر کارایی تخصیص منابع دارد.

شاید بتوان چالش های تعاملات نهادی این سازمان و تأثیر آن ها بر تخصیص منابع را به سه دسته تقسیم کرد. در ادامه در مورد هر یک به طور خلاصه توضیحاتی ارائه خواهد شد:

۱. تخصیص منابع بر اساس چانه زنی به جای شاخص های عملکردی:

واقعیت این است که سازمان برنامه و بودجه اغلب تحت فشار گروه های ذی نفع و لابی های سیاسی، منابع را بر اساس معیارهای غیر شفاف تخصیص می دهد. این موضوع به جای اولویت بندی پروژه های استراتژیک (بر اساس نوعی استراتژی توسعه صنعتی)، منجر به پراکندگی سرمایه گذاری و کاهش بهره وری می شود. این موضوع را بنده زمانی که در سازمان برنامه ی مازندران (۱۳۹۸ تا ۱۴۰۰) به عنوان سر باز امریه مشغول بودم، به وضوح می دیدم. به طور مثال وقتی با نمایندگان مجلس برخی شهرستان های استان صحبت می کردیم، آن ها دنبال یافتن آمار تخصیص بودجه عمرانی به شهرستان ها بودند! این آمار محرمانه بود و مسئولان سازمان (به ویژه رئیس سازمان و معاون بودجه) تمایلی به افشای آن نداشتند. احتمالاً به این دلیل که منطق تخصیص، بیش از اینکه مبتنی بر کار کارشناسی باشد، مبتنی بر این بود که نمایندگان کدام شهرستان ها قدرت چانه زنی بالاتری داشتند یا مقامات سازمان برنامه ی استان اهل کدام شهرها بودند! همین رویه قابل تعمیم به کل کشور است.

۲. ضعف در نظام برنامه ریزی و بودجه ریزی:

یکی از شواهد این مشکل، پیش بینی غیرواقع بینانه درآمدها و کسری بودجه مستمر است. یک دلیل اقتصاد سیاسی پشت این رویه می تواند آن باشد که دست مقامات در مرحله ی تخصیص باز باشد. وقتی پخش درآمدی بودجه دقیق پیش بینی شود، طبعاً باید شفاف (در فرایند تصویب برنامه ی بودجه) مشخص گردد که سهم هر منطقه و بخش اقتصادی چقدر است. اما وقتی درآمدها موهومی تعیین شود، در مقام

تخصیص، مسئولان امر می توانند به بهانه ی کسری، به برخی بخش ها کمتر و به برخی بخش ها بیشتر تخصیص دهند. فقدان سیستم بودجه ریزی مبتنی بر عملکرد نیز موجب می شود تخصیص بودجه به جای نتایج، بر اساس سوابق تاریخی یا فشار سیاسی انجام شود.

۳. تعارض منافع و ساختار اداری ناکارآمد:

تداخل وظایف بین سازمان برنامه و بودجه و دیگر نهادها مانند وزارت اقتصاد و بانک مرکزی، منجر به موازی کاری و کاهش پاسخگویی می شود. با توجه به اینکه ما با توجه به ادبیات داگلاس نورث در شرایط نظم دسترسی محدود هستیم، روابط شخصی بر نهادهای رسمی (نظیر قانون) غلبه دارند. بنابراین مشخص نیست در ستاد اقتصادی دولت (یعنی سازمان برنامه، وزارت اقتصاد و بانک مرکزی) فرمانده اقتصادی کیست. حتی در برخی دولت ها معاون اقتصادی یا معاون اول نیز به روسای آن سه نهاد بر سر فرماندهی اقتصادی در دولت رقابت می کردند. در چنین شرایطی با توجه به اینکه هر مقام مسئول، بر اساس جایگاه سیاسی اش، اهداف و منافع متفاوتی را دنبال می کند، تعارض منافع میان مقامات کلیدی اقتصادی، کارآمدی را کاهش می دهد. ابزار سازمان برنامه برای فرماندهی اقتصادی، محدود به بودجه است. بخش قابل توجهی از بودجه، حقوق و دستمزد است که اساساً سازمان برنامه نمی تواند آن را تخصیص ندهد. بخشی از قدرت (با توجه به تمرکز بنگاه های اقتصادی دولتی ذیل سایر وزارتخانه ها؛ نظیر وزارت اقتصاد یا وزارت رفاه) در سایر وزارتخانه ها متمرکز است و رئیس کل بانک مرکزی نیز با در اختیار داشتن ابزار «اعتبارات بانکی» بخشی از قدرت را در اختیار دارد. در چنین ساختاری، تعارض قاعده است و هماهنگی استثنا است.

راهکارهای بهبود هماهنگی و تخصیص منابع:

واقعیت این است که راهکار آسانی وجود ندارد. سازمان برنامه در سال های پیش از انقلاب در دو برهه، هماهنگی خوبی در ستاد اقتصادی دولت ایجاد کرد و توانست تخصیص منابع را مبتنی بر یک برنامه ی توسعه ی صنعتی خوب انجام دهد.

پاسخ:

سازمان برنامه برای کاهش فساد و سوءاستفاده از منابع مالی اقداماتی انجام داده است. البته فاصله تا مطلوب بسیار است و ضروری است مسیر افزایش شفافیت با سرعت بیشتری طی شود. در ادامه برخی از اقدامات مثبت و درخور تقدیر ذکر می‌شوند:

۱. راه‌اندازی سامانه شفافیت**قراردادهای کشور**

طبق ماده ۳ قانون ارتقاء سلامت نظام اداری و مقابله با فساد، یکی از وظایف سازمان برنامه و بودجه، ایجاد شفافیت و دسترسی آزاد به اطلاعات قراردادهای بخش عمومی کل کشور است. در این راستا، سامانه‌ای به نشانی cdb.mporg.ir از اول تیر ۱۳۹۵ در دسترس عموم قرار گرفته است. با این حال، این سامانه نتوانسته به‌طور کامل اهداف شفافیت‌سازی را محقق کند، زیرا امکان جستجو و تحلیل داده‌ها در آن به‌خوبی فراهم نشده است.

۲. تاکید بر تدوین شاخص‌های اندازه**گیری سلامت اداری**

ماده ۲۸ قانون ارتقاء سلامت نظام اداری و مقابله با فساد بر هماهنگی در تهیه شاخص‌های اندازه‌گیری میزان سلامت اداری در دستگاه‌های دولتی و اعلام عمومی آن‌ها تأکید دارد. همچنین، این قانون خواستار اندازه‌گیری میزان سلامت اداری و هماهنگی در تهیه گزارش کل کشور و اعلام نتایج آن است. البته با وجود تصریح قانون بر اجرای این اقدامات، شواهدی مبنی بر اجرای کامل و مؤثر ماده ۲۸ وجود ندارد. گزارش‌های رسمی و رسانه‌ای عمدتاً به تصویب و ابلاغ قانون و آیین‌نامه‌های مربوط اشاره دارند، اما نشانه‌ای از اعلام عمومی شاخص‌های سلامت اداری، انتشار گزارش‌های جامع کشوری یا هماهنگی ملموس میان دستگاه‌های نظارتی در سطحی که قانون مقرر کرده، مشاهده نمی‌شود. بنابراین، می‌توان گفت اجرای این ماده با چالش‌هایی روبرو بوده و هنوز به‌طور کامل محقق نشده است.

۳. افزایش شفافیت در بودجه سالانه

در سال‌های اخیر تلاش‌هایی برای شفافیت در بودجه‌ی سالانه انجام شده است. از جمله اینکه بودجه‌ی شرکت‌های دولتی شفاف شده و منتشر می‌شود. یا آن بخش از درآمد نفتی که پیش‌تر

خصوصی واقعی صورت گیرد. البته هنوز برای قضاوت زود است و باید دید چه اتفاقی خواهد افتاد. سیاست‌گذاری برای برابری فرصت‌ها، فقط به‌طور مستقیم بر عهده‌ی سازمان برنامه نیست. به‌طور مثال تسهیل صدور مجوزها از طریق درگاه ملی مجوزها نقطه آغاز خوبی بود که در وزارت اقتصاد کلید خورد. این مسیر باید ادامه پیدا کند. امضای طلایی در مسیر صدور مجوزهای کسب‌وکار باید از بین برود. مسئولیت مستقیم این اقدام، با وزارت اقتصاد است. یا به‌طور مثال مساله‌ی آموزش با کیفیت دولتی (ابتدایی و متوسطه) در برابری فرصت‌ها بسیار مؤثر است. سازمان برنامه در این حوزه وظیفه‌ی پشتیبانی و تخصیص بودجه‌ی آموزش را برعهده دارد اما همه‌چیز بودجه نیست. وزارت آموزش و پرورش باید به‌طور جدی روی ارتقای کیفیت مدارس دولتی کار کند. در آموزش عالی به‌طور میانگین کیفیت دانشگاه‌های دولتی بالاتر است اما در مدرسه، ماجرا برعکس است.

همچنین ما نیاز به یک نظام یکپارچه‌ی مالیاتی و یارانه‌ای داریم. الان متأسفانه در بسیاری از مواقع یارانه (خصوصاً یارانه‌های غیرمستقیم) را بیشتر دهک‌های بالای درآمدی دریافت می‌کنند. مالیات هم عموماً از کارگر و کارمند و حقوق‌بگیر دریافت می‌شود. بنابراین باید نظام یارانه و مالیات یکپارچه شود. سازمان هدفمندی یارانه‌ها زیر نظر سازمان برنامه است. سازمان امور مالیاتی ذیل وزارت اقتصاد است و سامانه‌ی جامع پایگاه رفاه ایرانیان که باید داده‌ها را تجمیع کند و دهک - بلکه صدک درآمدی - را تعیین کند، ذیل وزارت رفاه است. با این حال خیلی از نهادها نیز با وزارت اقتصاد همکاری لازم را ندارند و اطلاعات را در اختیارش قرار نمی‌دهند. به همین خاطر شاید دهک‌بندی‌های فعلی چندان دقیق و به‌روز نباشد. اگر این‌ها یک جا تجمیع شوند، احتمالاً برنامه‌ریزی برای کاهش نابرابری درآمدی راحت‌تر خواهد بود.

۳. (چه اصلاحات نهادی باید در**سازمان برنامه و بودجه انجام شود تا****فرآیندهای برنامه ریزی و تخصیص****منابع مؤثرتر و شفاف‌تر باشد؟ آیا****اقداماتی برای کاهش فساد یا****سوءاستفاده از منابع مالی انجام شده****است؟**

برهه‌ی اول به دوره‌ی ریاست ابتهاج بر سازمان بر می‌گردد و دیگری به دوره‌ی محمد صفی اصفیا، در دوره‌ی ابتهاج با توجه به وزن سیاسی ابتهاج، سازمان جایگاهی فراتر از دولت داشت و مستقیماً زیر نظر شاه (و البته بدون مداخله‌ی او) اداره می‌شد. بنابراین ابتهاج این امکان را داشت که گاهی نظرات کل هیئت دولت را رد کند و ایده‌ی خودش را اجرا کند. بنابراین با ابزار قدرت سیاسی و تحکیم، می‌توانست هماهنگی ایجاد کند. این نظم و هماهنگی شکننده بود و دیدیم که پایدار نماند. دوره‌ی دوم - یعنی در دوره‌ی صفی‌اصفیا - هماهنگی فکری و به تعبیر امروزی - توافق (Deal) - میان صفی اصفیا، عالیخانی (وزیر اقتصاد) و سمیعی - فرمانفرمایان (روسای بانک مرکزی) شکل گرفت. این تیم مثل هم فکر می‌کردند. بنابراین همراه و هماهنگ بودند. پیش و پس از آن دوره مجدداً شاهد تعارض در ستاد اقتصادی دولت هستیم. بنابراین ما امروز یا باید نوعی بازنگری در چارچوب حکمرانی اقتصادی انجام دهیم تا سازمان برنامه به اقتدار دوره‌ی ابوالحسن ابتهاج بازگردد یا اینکه دولت‌ها باید یک تیم هماهنگ در ستاد اقتصادی دولت را منصوب کنند تا مشکل تعارض در تخصیص منابع کاهش یابد.

۲. (با توجه به شرایط اقتصادی**کنونی کشور، سازمان برنامه و****بودجه چه سیاست‌هایی را در نظر****دارد که نابرابری‌های درآمدی و****اجتماعی را کاهش دهد و فرصت****های برابر برای همه گروه‌ها به****خصوص بخش خصوصی ایجاد****کند؟****پاسخ:**

طبعاً پاسخ به این پرسش که سازمان برنامه در نظر دارد برای ایجاد فرصت‌های برابر - به‌ویژه برای فعالان بخش خصوصی - و کاهش نابرابری‌ها چه کند، به‌عهده‌ی سازمان برنامه و بودجه و مسئولان آن سازمان است. با این حال، با توجه به اینکه حمیدرضا پورمحمدی - رئیس سازمان برنامه - اعلام کرده است که وظیفه‌ی معاونت «معاون سیاست‌گذاری و راهبری توسعه ملی و منطقه‌ای» را فقط «توسعه و همکاری با بخش خصوصی» قرار داده، می‌توان امیدوار بود که اقدامات مثبتی در راستای تقویت بخش

شفاف نبود، در بودجه‌ی ۱۴۰۴ شفاف شده است. به‌طور مثال میزان نفتی که فروشش به عهده‌ی نیروهای مسلح بود و در واقع به‌جای بودجه به این بخش نفت ارائه می‌شد، در بودجه ی ۱۴۰۴ شفاف شده است.

اصلاحات نهادی

با این حال همان‌طور که پیش‌تر (در پاسخ سوال اول) ذکر شد، بودجه‌ریزی ما ایرادات جدی دارد؛ از جمله اینکه بودجه‌ریزی مبتنی بر عملکرد نداریم، درآمدهای موهومی شناسایی می‌کنیم و همین درآمدهای موهومی دست مسئولان را باز می‌گذارد تا در فرآیند تخصیص بر اساس معیارهایی غیر از منافع ملی و توسعه‌ی ایران، منابع را تخصیص دهند. برای اصلاح ساختار بودجه، سازمان برنامه پیش‌تر برنامه‌ای تدوین کرده بود که بسیار با کیفیت است. این برنامه بر اساس چهار محور «تقویت نهادی بودجه»، «هزینه‌کرد کار»، «درآمدزایی پایدار» و «ثبات‌سازی اقتصاد کلان و توسعه‌ی پایدار» بود. اگر به همان برنامه عمل شود، می‌توان انتظار داشت منابع بهینه تخصیص یابند. فراتر از آن نیز ما نیازمند اصلاح و بازنگری در چارچوب حکمرانی اقتصادی هستیم.

اصلاً شاید در این بازنگری لازم شد بودجه‌ی جاری و تخصیص آن به وزارت اقتصاد منتقل شود و سازمان برنامه به سازمانی چابک تبدیل شود که اولاً برنامه‌ی توسعه می‌نویسد (آن هم نه از جنس برنامه‌های جامع فعلی بلکه برنامه‌ای مشخص که نشان دهد دقیقاً کدام بخش‌ها باید با رانت مولد مورد حمایت قرار گیرند)، در ثانی هم در فرآیند تخصیص رانت های مولد

(بر اساس ادبیات دولت توسعه‌گرا) نقش‌آفرینی می‌کند و هم بودجه‌ی عمرانی را متناسب با تامین زیرساخت مورد نیاز آن پیرامون‌های توسعه تخصیص می‌دهد.

۴) “از دیدگاه شما، کدام کشورها در زمینه اصلاحات اقتصادی و اجتماعی بیشترین موفقیت را داشته‌اند؟ چه ویژگی‌های خاصی باعث شده که این کشورها در زمینه اصلاحات پیشرو باشند؟”
“با توجه به شرایط خاص ایران، آیا می‌توانیم فرآیندهای اصلاحی کشورهای موفق‌تری مانند سنگاپور

سنگاپور یا کره جنوبی را به‌طور کامل در ایران پیاده‌سازی کنیم؟ چه چالش‌هایی در این زمینه وجود دارد؟”

پاسخ:

برسر-پیرا اقتصاددان و اندیشمند علوم اجتماعی برزیلی، معتقد است تمام انقلاب‌های صنعتی در چارچوب یک دولت توسعه‌گرا رخ داده‌اند. از منظر او دولت توسعه‌گرا دولتی است که رشد اقتصادی را هدف اصلی خود قرار می‌دهد، در اقتصاد مداخله می‌کند، سیاست‌های صنعتی استراتژیک را اجرا می‌کند، سیاست‌های اقتصاد کلان فعال را دنبال می‌کند و از یک ائتلاف طبقاتی توسعه‌گرا حمایت سیاسی می‌کند. از منظر برسر-پیرا دولت‌های توسعه‌گرا به پنج مدل تقسیم می‌شوند: مدل مرکزی اصلی (کشورهایی مانند انگلستان و فرانسه که در قرن ۱۸ و اوایل قرن ۱۹ صنعتی شدند)، مدل مرکزی دیرآمده (کشورهایی مانند آلمان و آمریکا که با تأخیر صنعتی شدند)، مدل پیرامونی مستقل (کشورهایی مانند ژاپن، کره جنوبی و تایوان که مستعمره بودند اما به استقلال و صنعتی شدن رسیدند) و مدل پیرامونی ملی-وابسته (کشورهایی مانند برزیل و مکزیک است که توانستند به صنعتی شدن دست یابند، اما پس از بحران بدهی دهه ۱۹۸۰ تا حدی استقلال خود را از دست دادند و نتوانستند رشد سریع اقتصادی را حفظ کنند). علاوه بر این، مدل پنجمی به نام دولت توسعه‌گرای رفاه پس از جنگ جهانی دوم در کشورهای پیشرفته شکل گرفت.

بر اساس این چارچوب من فکر می‌کنم ایران می‌تواند از همه‌ی کشورها درس‌هایی را بیاموزد اما حتماً باید به‌طور ویژه از کشورهایی که دولت توسعه‌گرای پیرامونی مستقل داشته‌اند الگو بگیرد. این کشورها پنج عامل موفقیت مشترک داشتند:

۱. رهبری و چشم انداز بلندمدت؛
- تعهد سیاسی به اصلاحات (مانند دنگ شیائوپینگ در چین)؛
۲. نهاد راهبر توسعه؛
- مانند MITI در ژاپن، EPB در کره جنوبی.
۳. نهادهای قوی؛
- حاکمیت قانون، شفافیت و مبارزه با فساد (به ویژه در سنگاپور و بوتسوانا)

۴. انعطاف‌پذیری در سیاست‌ها؛

تطبیق استراتژی‌ها با شرایط داخلی و جهانی (مانند هند در اجتناب از رقابت مستقیم با چین)

۵. جانمایی مناسب در نظم جهانی؛

کاهش موانع تجاری و جذب فناوری خارجی

ما به یک آژانس ملی توسعه نیاز داریم.

سازمان برنامه باید بتواند خود را به جایگاه یک آژانس توسعه برساند.

همچنین باید یک برنامه‌ی توسعه‌ی صنعتی (به

معنای دقیق کلمه) داشته باشیم که توسط آن

آژانس ملی توسعه (که یک جزیره‌ی شایستگی

با جایگاه سیاسی بالا است) هدایت و اجرا شود.

با این حال، هر کشوری اقتضائات خاص خودش

را دارد. بنابراین طبیعی است که ایران باید

الگوی دولت توسعه‌گرا را با توجه به اقتضائات

خود، بومی کند. به‌طور مشخص تحریم‌ها و

مشکلات ناشی از آن و همچنین وابستگی

اقتصاد ایران به درآمدهای نفتی دو ویژگی

مهمی هستند که میان ما و کشورهایی مثل کره

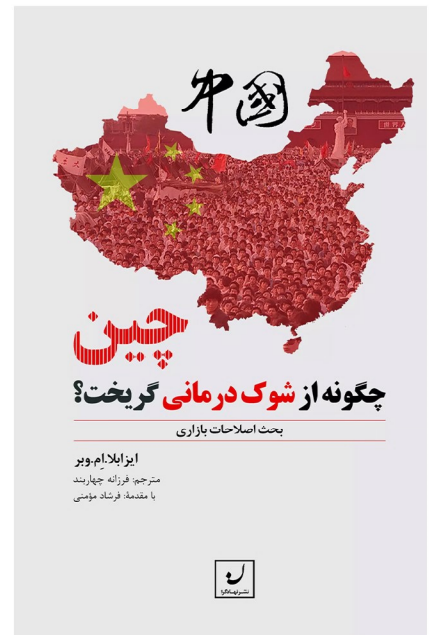
ی جنوبی یا سنگاپور تفاوت ایجاد می‌کنند.

بنابراین نمی‌توان برای کشوری با مختصات ما

عیناً الگوی کره یا سنگاپور را تجویز کرد.

درس‌ها :

البته مسیر اصلاحات در این کشورها حتماً برای ما درس‌هایی دارد. مهم‌ترین درسی که از چین باید بگیریم، اعمال اصلاحات تدریجی و پرهیز از هر گونه شوک درمانی و اصلاحات دفعی است.



کتاب "چین چگونه از شوک‌درمانی گریخت؟" نوشته‌ی خانم ایزابلا وبر می‌تواند برای درک این مسأله‌ی مهم قابل استفاده باشد. تقویت نهادها - از جمله نهادهای ضد فساد و تقویت‌کننده شفافیت - در ساختارهای اقتصادی ما دیگر درسی است که می‌توان از این کشورها گرفت.

توسعه بخش فناوری (استفاده از ظرفیت شرکت‌های دانش‌بنیان و استارت‌آپ‌ها نیز مهم و درس آموز است. در نهایت مهم‌ترین درسی که باید از این کشورها گرفت آن است که هیچ کدام، بدون برآمدن مجموعه‌ی قابل توجهی از بنگاه‌های بخش خصوصی مستقل و قوی به توسعه نرسیدند.

سیاست‌های کلی اصل ۴۴ در ایران قرار بود زمینه‌ساز چنین تحولی شود اما متأسفانه در مرحله‌ی اجرا بیشتر به ابزاری برای تبدیل بنگاه‌های دولتی به بنگاه‌های شبه‌دولتی تبدیل شد. اشکالات سیاست‌های کلی اصل ۴۴ در اجرا باید اصلاح شود و برای تقویت بخش خصوصی مستقل، حتماً باید از تجربه‌ی کشورهای توسعه یافته‌ی آسیایی استفاده کرد.

۵. "برای پیشبرد اهداف بلندمدت برنامه‌های توسعه، چه نهادهای جدیدی باید ایجاد یا نهادهای موجود تقویت شوند؟ آیا نیاز به ایجاد نهادهایی با اختیارات بیشتر برای نظارت و اجرای مؤثرتر برنامه‌ها وجود دارد؟"

پاسخ:

به این پرسش در خلال پاسخ به سوالات پیشین، پاسخ داده شد. اما بد نیست برای جمع‌بندی، مجدداً آن مباحث در چارچوبی جدید ارائه شود. برای نقش‌آفرینی سازمان برنامه و بودجه در قامت یک «آژانس ملی توسعه»، ضروری است این سازمان به فرمانده ستاد اقتصادی دولت تبدیل شود. اکنون سازمان برنامه اختیارات و قدرت لازم برای فرماندهی اقتصادی دولت را در اختیار ندارد.

ابوالحسن ابتهاج (رئیس سازمان برنامه در اواخر دهه‌ی ۱۳۳۰ شمسی) شخصاً برای تأمین مالی پروژه‌های توسعه‌ای سازمان برنامه، پیگیر احداث بانک توسعه‌ی صنعتی و معدنی بود. امروز اما نظام بانکی و ظرفیتش در اختیار رئیس کل بانک مرکزی است اما کسی او را برای اجرا نشدن برنامه‌های توسعه بازخواست نمی‌کند. در برنامه‌ی هفتم توسعه، دولت مکلف شده است یک بانک توسعه‌ای ایجاد کند. باید دید آیا این مهم، محقق می‌شود یا نه؟! و آیا پس از ایجاد بانک توسعه‌ای، اعتبارات آن بانک در خدمت پروژه‌های سازمان برنامه قرار خواهد گرفت؟!

مسئولیت بودجه‌ی جاری باید به وزارت اقتصاد منتقل شود.

اختیار سیاست‌گذاری بنگاه‌های اقتصادی ذیل وزارتخانه‌ها (از جمله وزارت اقتصاد و وزارت رفاه) باید به سازمان برنامه سپرده شود. سازمان امور مالیاتی، سازمان هدفمندی یارانه‌ها و پایگاه اطلاعات رفاه ایرانیان باید با یکدیگر پیوند ساختاری داشته باشند و هدایت و سیاست‌گذاری آن‌ها باید بر عهده‌ی سازمان برنامه باشد.

صندوق توسعه نیز باید تعیین تکلیف شود. اگر بناست مثل سال‌های گذشته، منابعش خرج بودجه‌ی عمرانی دولت‌ها شود، چه بهتر که همه‌ی مازاد درآمد نفتی در اختیار سازمان برنامه قرار گیرد تا به‌عنوان بودجه‌ی عمرانی خرج زیرساخت‌ها و تأمین مالی توسعه شود. تأسیس صندوق توسعه‌ی ملی برای این بود که بخشی از منابع نفتی برای حمایت از تقویت بخش خصوصی خرج شود.

امروز صندوق توسعه هر کاری می‌کند جز آن وظیفه‌ای که روز اول به عهده‌اش گذاشته شد. البته مجموعه‌ی این اصلاحات نهادی و ساختاری که ذکر شد، پیشنهاداتی است برای فکر کردن.

بدیهی است که آن‌ها را به‌عنوان پیشنهادات قطعی نهایی ذکر نمی‌کنم. اصلاحات ساختاری اقتصادی، نیازمند بحث و بررسی‌های جدی‌تر و دقیق‌تر و مشارکت نخبگان در توسعه‌ی مباحث هستند. همچنین به یک مجموعه مطالعات اقتصاد سیاسی نیز احتیاج داریم.

طبعاً بسیاری از این اصلاحات، پیش‌تر به ذهن دیگران نیز رسیده است. اگر محقق نمی‌شوند، احتمالاً به دلیل وجود منافع و شبکه‌هایی از ذینفعان است.

بنابراین برای شناخت دقیق‌تر شبکه‌ی ذینفعان وضع موجود، نیازمند مطالعات اقتصاد سیاسی جدی هستیم.

این مطاعات پیش‌نیاز بازنگری در ساختار حکمرانی اقتصادی ما (از جمله اصلاحات مربوط به سازمان برنامه) است.

بررسی برخی ابعاد بودجه سال 1404

به قلم :

محسن فرخنده عمل اقدم

دانشجو کارشناسی اقتصاد
رودی 401



و



عطیه اشرفی

دانش آموخته مقطع
کارشناسی اقتصاد

مقدمه

تقریباً در پشت صحنه تمام مباحث و نظریات اقتصادی اعم از مباحث اقتصاد کلان، اقتصاد خرد و... سایه برنامه و فرآیند برنامه‌ریزی دیده می‌شود. انتظار می‌رود از طرفی با تدوین برنامه و بازنگری آن و از طرف دیگر با اجرای مناسب و نظارت موثر، دستیابی به تخصیص بهینه منابع و نهایتاً رسیدن به بهره‌وری و کارایی بالاتر حاصل شود.

سند چشم‌انداز بیست ساله ایران، سندی جهت تبیین و تشریح افقی برای توسعه ایران در زمینه‌های مختلفی نظیر زمینه‌های فرهنگی، علمی، اقتصادی، سیاسی و اجتماعی می‌باشد که توسط مجمع تشخیص مصلحت نظام در سال ۱۳۸۴ تدوین شده است.

این سند چشم‌انداز در قالب برنامه‌های توسعه‌ای ۵ ساله انجام می‌گیرد و نهایتاً هر سال در قالب بودجه سالیانه کشور ظاهر می‌شود.

در این متن هدف تحلیل و بررسی سند چشم‌انداز و برنامه‌های توسعه فعلی و یا قبلی نمی‌باشد و تنها تلاش شده است مفاهیم ابتدایی درباره بودجه سالانه کشور و برخی از اعداد و ارقام و نهایتاً بررسی برخی از پیش‌بینی‌ها ارائه گردد.

مفاهیم

بودجه یک برنامه مالی جامع است که درآمدها و هزینه‌های یک سازمان، دولت، شرکت یا حتی یک فرد را برای دوره‌ای مشخص (معمولاً یک سال مالی) پیش‌بینی و تنظیم می‌کند. این سند مالی به عنوان نقشه‌ای راهبردی، مدیریت منابع را ممکن ساخته و دستیابی به اهداف کلیدی را تسهیل می‌نماید.



نسبت کسری بودجه به کل بودجه، سهم درآمدهای مالیاتی، نوسانات قیمت نفت و نرخ تورم را به صورت همزمان بررسی کرد.

قانون بودجه سال ۱۴۰۴

بودجه کل امسال کشور با رشد حدود ۷۵ درصدی نسبت به سال گذشته به عدد ۱۱۲۸۰ همت رسیده است. از این عدد سهم بودجه عمومی دولت حدود ۵۳۸۴ همت (۹۰٪) رشد) و سهم شرکت‌های دولتی ۶۳۷۷ همت (۷۰٪) رشد) می‌باشد. منابع - مصارف عمومی دولت با ۹۳٪ رشد به ۴۹۵۶ همت رسیده است.

از کارکردهای اصلی بودجه و بودجه‌ریزی میتوان به کمک به تخصیص بهینه منابع بر اساس اولویت‌ها، مقایسه عملکرد واقعی با پیش‌بینی‌ها و انحرافات، ارائه داده‌های مالی برای انتخاب بهتر گزینه‌ها و سنجش موفقیت یا عدم موفقیت در تحقق اهداف تعیین شده اشاره کرد. اگر ما درآمدهای نفتی کشور و سایر درآمدهای دولت را کنار بگذاریم، به صورت ساده‌سازی شده می‌توان تنها منبع درآمدی دولت را درآمدهای مالیاتی دانست. به طور کلی بودجه به سه وضعیت ظاهر می‌شود: در حالت اول درآمدها بر هزینه‌ها فزونی دارد که اصطلاحاً به این حالت وجود مازاد بودجه گفته می‌شود. در مقابل حالت ذکر شده زمانی است که هزینه‌ها از درآمدها بیشتر باشد که به این حالت کسری بودجه اطلاق می‌گردد و نهایتاً هنگامی که درآمدها و هزینه‌ها دقیقاً باهم برابر باشد به این حالت توازن بودجه یا اصطلاحاً بودجه متوازن گفته می‌شود.

ترازها	مصارف	منابع
تراز عملیاتی: (۹۰۹)	هزینه‌ها: ۳۳۵۶ - (۷۹٪)	درآمدها: ۲۴۴۶ (۵۳٪)
تراز سرمایه‌ای: ۳۲۹	تملك دارایی سرمایه‌ای: ۶۰۱ (۵۰٪)	واگذاری دارایی سرمایه: ۹۳۰ (۴۴٪)
تراز مالی: ۵۸۰	تملك دارایی مالی: ۱۰۰۰ - (۲۵۳٪)	واگذاری دارایی مالی: ۱۵۸۰ (۳۹۵٪)

*ارقام به هزار میلیارد تومان می‌باشد.

*اعداد داخل پرانتز، رشد اعتبارات نسبت به قانون 1403 را نشان می‌دهد.

اگر از سمت ترکیب منابع عمومی به بودجه نگاه کنیم مشاهده می‌شود که درآمدهای مالیاتی (۴۳٪)، انتشار اوراق (۱۶٪)، نفت و گاز و فرآورده (۱۱٪)، استقرار از صندوق توسعه ملی (۱۱٪)، فروش سهام و اموال (۱۱٪) و سایر درآمدها (۸٪) اجزای تشکیل‌دهنده منابع عمومی بودجه می‌باشند. ترکیب مصارف بودجه ۱۴۰۴ به شرح زیر می‌باشد:

حقوق و دستمزد (۲۳٪)، بازنشستگی (۲۱٪)، بازپرداخت اصل و سود اوراق (۱۳٪)، امور عمرانی (۱۲٪)، سایر تملک مالی (۸٪)، کمک به هدفمندی و امور حمایتی (۶٪)، سایر مصارف (۱۷٪).

اگر ما مخارج دولتی را با حرف G و درآمدهای دولتی را با حرف T نشان دهیم: در این حالت مخارج دولتی از درآمدها بیشتر است و دولت با کسری بودجه مواجه است، حالت مازاد بودجه می‌باشد. نهایتاً $G = T$ حالت بودجه متوازن می‌باشد. اقتصاد ایران از دهه ۱۳۵۰ همواره با چالش‌های ساختاری مانند تورم مزمن، نوسانات بودجه عمومی و کسری بودجه پایدار مواجه بوده است. برای تحلیل دقیق‌تر روند کسری بودجه در چهار دهه اخیر، باید مجموعه‌ای از متغیرها شامل نسبت کسری بودجه به کل بودجه، سهم درآمدهای مالیاتی، نوسانات قیمت نفت و نرخ تورم را به صورت همزمان بررسی کرد.

سهم هریک از امور در بودجه ۱۴۰۴

عنوان	اعتبارات ۱۴۰۳	اعتبارات ۱۴۰۴	سهم امور از کل اعتبارات (درصد)	رشد اعتبارات در امر ۱۴۰۴ به ۱۴۰۳ (درصد)
خدمات امور عمومی	۵۰	۱۲۳	۴	۱۴۶
دفاع	۲۱۵	۲۷۰	۸	۲۵
نظم و امنیت عمومی	۱۱۴	۱۷۱	۵	۵۰
امور اقتصادی	۱۳۱	۲۶۰	۸	۹۹
حفاظت محیط زیست	۱۵	۲۳	۱	۵۳
مسکن و خدمات شهری	۵۳	۶۷	۲	۲۶
بهداشت و درمان	۲۰۱	۴۷۱	۱۵	۱۳۴
تفریح، فرهنگ، مذهب	۶۰	۹۳	۳	۵۵
آموزش	۴۳۹	۶۷۵	۲۲	۵۴
حمایت اجتماعی	۶۴۸	۹۴۹	۳۱	۴۶
جمع کل اعتبارات	۱۸۵۸	۳۱۰۲	-	۶۷

*ارقام به هزار میلیارد تومان می باشد.

توزیع اعتبارات میان قوای مختلف در لایحه بودجه سال ۱۴۰۴

قوه مجریه	۹.۷۷٪
قوه قضائیه	۴٪
قوه مقننه	۳/۰٪
سایر دستگاهها	۸.۱۷٪

کسری بودجه

با توجه به جدول شماره ۱ تراز عملیاتی بودجه امسال با کسری ۹۰۹ همتی مواجه می باشد. این کسری بودجه باید از طریق سیاست های جبران گردد که اجرای هر کدام از این سیاست ها ذینفعانی خواهد داشت. اگر قرار باشد کسری بودجه از طریق تورم و خلق نقدینگی جبران شود قطعاً حقوق بگیران، کارمندان و کارگران را تحت تاثیر خود قرار می دهد.

از طرفی ابزارهای دیگری هم چون نرخ بهره و نرخ ارز هم هر کدام ذینفع هایی دارند. تغییرات نرخ بهره بر وام گیرندگان و دولت و تغییرات نرخ ارز بر تجارت و حال و روز وارد کنندگان و صادر کنندگان تاثیر گذار خواهد بود. با توجه به سخنان متعدد اعضای دولت چهاردهم به نظر می رسد توزیع بار جبران این کسری بودجه کمتر بر دوش اقشار کم درآمد قرار گیرد.

حقوق و دستمزد

در بودجه ۱۴۰۴ حداقل دستمزد روزانه ۳,۴۶۳,۶۵۶ ریال تعیین شده است و حداقل دستمزد ماهیانه از ۷۱,۰۰۰,۰۰۰ ریال در سال ۱۴۰۳ به ۱۰۳,۳۹۹,۰۰۰ ریال (۴۰٪ رشد) افزایش یافته است همچنین معافیت از پرداخت مالیات حقوق و دستمزد از ۱۲۰,۰۰۰,۰۰۰ ریال در سال ۱۴۰۳ به ۲۴۰,۰۰۰,۰۰۰ ریال افزایش یافته است.

نتیجه گیری

به نظر می رسد بودجه سال ۱۴۰۴ نسبت به بودجه های سال گذشته از شفافیت و انسجام بیشتری برخوردار می باشد. از طرفی با ارتقای حداقل دستمزد و همچنین افزایش اعتبار در حوزه های خدمات عمومی، بهداشت و درمان می توان انتظار بهبود سطح رفاه جامعه را داشت.

از طرفی در برخی از حوزه های دیگر افزایش اعتبارات نسبت به مقدار افزایش کل بودجه در مقایسه با سال گذشته کمتر بوده است که این موضوع نگرانی هایی را ایجاد می کند. فرایند تدوین و تهیه بودجه برای هر سازمان بزرگ و کوچکی یک امر بسیار مهم، کلیدی و حتی حیاتی می باشد، اما این تنها آغاز یک مسیر پریچ و خم است که باید تلاش شود با نظارت موثر و سیاست های تنبیهی و تشویقی هدفمند برنامه از ریل خود خارج نشده و به مسیر خود ادامه دهد.

منابع

بررسی لایحه بودجه سال ۱۴۰۴ (مجلس شورای اسلامی-مرکز پژوهش ها)

نقش زنان در توسعه اقتصادی و اجتماعی



کمیته‌ی نوبل در بیانیه‌ای، ضمن تحسین تلاش‌های این اقتصاددان برجسته، توضیح داد که مطالعات گلدین نشان می‌دهد با فاصله گرفتن اقتصاد از کشاورزی و حرکت آن به سوی صنعت، میزان اشتغال زنان متأهل در دهه‌ی ۱۸۰۰ میلادی کاهش یافته است. اما در ادامه، با رشد بخش خدمات در قرن بیستم، مشارکت زنان در بازار کار افزایش یافته است. براساس پژوهش‌های گلدین، زنان در بازار کار جهانی، به مراتب کمتر از مردان حضور دارند و حتی زمانی که مشغول به کار هستند، درآمدی پایین‌تر از مردان دریافت می‌کنند. او در یافته‌های خود نشان داد که مشارکت زنان در بازار کار، طی این دو قرن، روندی صعودی و یکنواخت نداشته، بلکه مسیری پیچیده و نوسانی را طی کرده است.

با وجود روند مدرن شدن، رشد اقتصادی و افزایش نرخ اشتغال زنان در قرن بیستم، شکاف درآمدی میان زنان و مردان همچنان پابرجا مانده است. به گفته‌ی گلدین: ((بخشی از دلایل این شکاف به تصمیمات آموزشی‌ای بازمی‌گردد که در سنین جوانی گرفته می‌شوند.)) اگر انتظارات زنان جوان، بر پایه‌ی تجربه‌ی نسل‌های پیشین (همچون مادران‌شان که غالباً پس از بزرگ شدن فرزندان، وارد بازار کار می‌شدند) شکل گرفته باشد، این امر می‌تواند مسیر شغلی آن‌ها را تحت تأثیر قرار دهد.

(کلودیا گلدین) است که با تحلیل روندهای تاریخی مشارکت اقتصادی زنان در ایالات متحده‌ی آمریکا، عوامل مؤثر بر حضور یا عدم حضور آنان در بازار کار را واکاوی کرده است. یافته‌های گلدین نشان می‌دهد که پیشرفت واقعی در زمینه‌ی اشتغال زنان، نه فقط با تغییرات اقتصادی، بلکه با تحولات فرهنگی، آموزشی و حقوقی گره خورده است. بنابراین، بررسی مقاله‌ی او می‌تواند ابعاد پنهان و ریشه‌ای وضعیت فعلی اشتغال زنان در ایران را نیز روشن تر سازد.

کلودیا گلدین و نقش زنان در اقتصاد



در سال (۲۰۲۳)، آکادمی سلطنتی علوم سوئد، جایزه‌ی نوبل اقتصاد را به یک زن اعطا کرد؛ «کلودیا گلدین»، تاریخ‌دان اقتصادی و استاد دانشگاه هاروارد، به دلیل پژوهش‌های گسترده‌اش در حوزه‌ی بازار کار زنان، به‌تنهایی برنده‌ی این جایزه شد. این در حالی‌ست که از سال‌های (۲۰۱۸) تا (۲۰۲۲)، نوبل اقتصاد همواره میان چند اقتصاددان تقسیم می‌شد. گلدین با گردآوری داده‌هایی از بیش از ۲۰۰ سال گذشته‌ی ایالات متحده‌ی آمریکا، توانست تصویری جامع از روند نابرابری‌های جنسیتی در بازار کار ارائه دهد. پژوهش‌های او نشان می‌دهد که تفاوت‌های جنسیتی چگونه و چرا باعث شکل‌گیری نابرابری در بازار کار جهانی شده‌اند. شکل‌گیری نابرابری در بازار کار جهانی شده‌اند.

به قلم :

آیناز وکیلی

دانشجو کارشناسی اقتصاد
ورودی 402



درسا علیجانی

دانشجو کارشناسی اقتصاد
ورودی 402



یکی از مهم‌ترین معیارها جهت سنجش درجه‌ی توسعه‌یافتگی یک کشور، میزان اهمیت و اعتباری است که زنان در آن کشور دارا می‌باشند. نقش زنان در توسعه، مستقیماً با هدف توسعه‌ی اجتماعی و اقتصادی آمیخته شده و از این‌رو در تحول همه‌ی جوامع انسانی، عاملی بنیادی محسوب می‌گردد. نرخ مشارکت اقتصادی زنان در ایران طی سال‌های اخیر، نوسانات قابل توجهی داشته است. داده‌های موجود از سال (۱۳۹۲) تا (۱۴۰۳) نشان می‌دهد که این نرخ بین ۱۰.۳ تا ۱۸.۳ درصد در نوسان بوده است؛ به‌طوری‌که بالاترین میزان آن در بهار (۱۳۹۷) با ۱۸.۳ درصد و پایین‌ترین آن در زمستان (۱۳۹۲) با ۱۰.۳ درصد ثبت شده است.

این در حالی است که طبق گزارش‌ها، نرخ مشارکت زنان در نیروی کار در سال (۲۰۲۳) در ایران ۱۴.۴ درصد بوده است؛ رقمی بسیار پایین‌تر از میانگین جهانی (۴۸.۷ درصد) و حتی پایین‌تر از میانگین کشورهای خاورمیانه و شمال آفریقا (۱۹ درصد).

نکته‌ی قابل توجه آن که کشورهای هم‌منطقه‌ای همچون عربستان سعودی (۳۴.۵ درصد)، ترکیه (۳۵.۳ درصد) و امارات متحده‌ی عربی (۵۵.۴ درصد) وضعیت به مراتب بهتری در زمینه‌ی حضور زنان در بازار کار دارند.

این آمارها نشان می‌دهند که مسئله‌ی اشتغال زنان در ایران، نه تنها یک موضوع اقتصادی، بلکه یک مسئله‌ی اجتماعی و فرهنگی عمیق است که نیازمند تحلیل و بررسی دقیق‌تری می‌باشد.

بررسی‌های تاریخی و اقتصادی درباره‌ی نقش زنان در بازار کار، می‌تواند درک دقیق‌تری از ریشه‌های این مسئله به ما ارائه دهد. یکی از پژوهشگران برجسته در این زمینه

ادامه‌ی پژوهش‌های کلودیا گل‌دین



مطالعات دکتر «کلودیا گل‌دین» نشان می‌دهد که در گذشته، شکاف دستمزد میان زنان و مردان، عمدتاً ناشی از تفاوت‌های تحصیلی و نوع مشاغل آنان بوده است.

اما در وضعیت کنونی، حتی زنانی که دارای سطح تحصیلات و شغل مشابه با مردان هستند نیز، دستمزدی متفاوت و اغلب کمتر دریافت می‌کنند.

نکته‌ی قابل توجه آن‌که، این شکاف مزدی پس از تولد نخستین فرزند یک زن، افزایش می‌یابد. در اوایل دهه‌ی ۱۹۹۰ میلادی، شکاف جنسیتی در زمینه‌ی دستمزدها کاهش یافت.

اما این بار، برخلاف گذشته که تفاوت نوع شغل عامل اصلی بود، کاهش تبعیض در تصمیم‌گیری‌های مزدی نقش پررنگ‌تری ایفا کرد. خانم گل‌دین تغییرات در شیوه‌ی تصمیم‌گیری درباره‌ی دستمزدها را عامل بسیار مهمی می‌داند.

به‌عنوان نمونه، در گذشته، میزان دستمزد براساس بازدهی افراد (مثلاً تعداد لباس‌های بافته شده) تعیین می‌شد؛ اما پس از انقلاب صنعتی، پرداخت‌ها براساس زمان کار صورت گرفت، چراکه سنجش بازدهی فردی دشوارتر شده بود. در نتیجه، عواملی مهم‌تر (نظیر مدت زمان احتمالی ماندن یک فرد در شغل) اهمیت یافتند. این موضوع به زیان زنان تمام شد، زیرا انتظار می‌رفت پس از مادر شدن، شغل خود را ترک کنند.

این اقتصاددان برجسته بر این باور است که تا زمانی که در محیط خانه، برابری میان زوجین تحقق نیابد، دستیابی به برابری جنسیتی در بازار کار نیز ممکن نخواهد بود.

وی همچنین بر (کار مضاعف زنان در خانه) تأکید دارد؛ امری که سبب سخت‌تر شدن زندگی آنان می‌شود.

خانم گل‌دین در تحقیقات خود مطرح کرده است که مشارکت زنان در بازار کار طی ۲۰۰ سال گذشته، روندی صعودی نداشته بلکه الگوی U شکل را طی کرده است.

با گذار از جامعه‌ی کشاورزی به جامعه‌ی صنعتی، مشارکت زنان متأهل در اوایل قرن نوزدهم کاهش یافت.

اما در ادامه، با گسترش بخش خدمات در آغاز قرن بیستم، این مشارکت دوباره رو به افزایش گذاشت.

کند.

در بسیاری از موارد، زنان در پاسخ به پرسشنامه‌ها، خود را (خانه‌دار) معرفی می‌کردند، حتی اگر در عمل، مسئولیت مدیریت یک کسب‌وکار خانوادگی را بر عهده داشتند.

به‌عنوان نمونه، در سال (۱۸۹۰)، نرخ اشتغال زنان متأهل سفیدپوست ۵۱۲ درصد گزارش شده بود؛ اما با اصلاح آمارها مشخص شد که این نرخ، پنج برابر بیش از رقمی است که پیش‌تر تصور می‌شد.

افزون بر این، یافته‌های گل‌دین نشان می‌دهد که شکاف جنسیتی دستمزد به صورت تدریجی کاهش می‌یابد.

پیش از پژوهش‌های گل‌دین، بسیاری از اقتصاددانان گمان می‌کردند که رشد اقتصادی می‌تواند شرایط عادلانه‌تری برای همگان فراهم آورد؛ اما گل‌دین نشان داد که انقلاب صنعتی و انتقال تولید از خانه به کارخانه، منجر به حذف زنان متأهل از نیروی کار شد.

او در پژوهشی که در سال (۱۹۹۰) منتشر کرد، نشان داد که الگوی آشنای کنونی از مشارکت زنان، در قرن بیستم زمانی شکل گرفت که مشاغل مرتبط با بخش خدمات توسعه یافتند و تحصیلات در مقطع دبیرستان رواج پیدا کرد. گل‌دین همچنین به خطاهای موجود در آمارهای ظاهراً ساده‌ای مانند نرخ اشتغال زنان اشاره می‌کند.

کلودیا گل‌دین و نقش زنان در اقتصاد

براساس پژوهش‌های خانم «کلودیا گل‌دین»، سطح تحصیلات زنان در طول قرن بیستم به طور مداوم افزایش یافته است و در بسیاری از کشورهای با درآمد بالا، در حال حاضر، به‌طور چشمگیری از مردان پیشی گرفته است. یکی از نکات مهمی که گل‌دین در مطالعات خود به آن پرداخته است، مسئله‌ی دسترسی زنان به فرصت‌های ضدبارداری و ارتباط آن با فراهم آمدن فرصت‌های جدید برای برنامه‌ریزی شغلی است. وی بیان می‌کند که این دگرگونی بنیادین در اشتغال زنان، با متغیر دسترسی به فرصت‌های ضدبارداری، سرعت بیشتری به خود گرفته است.

در مقاله‌ای که خانم گل‌دین در سال (۲۰۰۲) منتشر کرد، به روشنی تأثیر فرصت‌های پیشگیری از بارداری را که در سال (۱۹۶۰) تأیید شدند، تبیین می‌کند. این فرصت‌ها به زنان امکان می‌دادند تا کنترل بیشتری بر زمان فرزندآوری خود داشته باشند.



براساس آمار ارائه شده در این مقاله، در بازه‌ی زمانی ۱۹۶۷ تا ۱۹۷۹، نسبت زنانی که در سنین ۲۰ و ۲۱ سالگی انتظار داشتند در ۳۵ سالگی همچنان شاغل باشند، از ۳۵ درصد به ۸۰ درصد افزایش یافت.

در پژوهشی دیگر با عنوان (ممنوعیت‌های ازدواج: تبعیض علیه زنان متأهل کارگر، از دهه ۱۹۲۰ تا ۱۹۵۰)،

خانم گل‌دین به بررسی سیاست‌هایی پرداخته است که به موجب آن‌ها، شرکت‌ها و نهادهای آموزشی از استخدام زنان متأهل خودداری می‌کردند یا پس از ازدواج، زنان مجرد را از شغل خود برکنار می‌ساختند. این سیاست‌ها، که به «ممنوعیت‌های ازدواج» شهرت یافته‌اند، در مقطع گسترده‌ای از تاریخ معاصر اعمال می‌شدند و نقش قابل توجهی در کاهش مشارکت زنان در نیروی کار ایفا کرده‌اند.

چه چیزی باعث کاهش شکاف می‌شود؟

خانم کلودیا گل‌دین در این بخش از پژوهش‌های خود توضیح می‌دهد که تغییر ساختار مشاغل می‌تواند به کاهش شکاف جنسیتی در بازار کار بینجامد.

به بیان دیگر، اگر مشاغل به گونه‌ای طراحی شوند که قابل تعویض باشند بدین معنا که دو نفر بتوانند در زمان‌های مختلف یک مسئولیت را بر عهده بگیرند و یا اگر میزان پاداش اضافه کار و شیفت‌های شبانه کاهش یابد، زنان و مردان قادر خواهند بود با برابری بیشتری در عرصه‌ی اشتغال مشارکت کنند.

به عنوان نمونه، در حرفه‌ی پزشکی، برخی تخصص‌ها مانند رادیولوژی به‌سوی انعطاف پذیری بیشتری حرکت کرده‌اند؛ زیرا پیشرفت فناوری، امکان انجام دورکاری را در این حوزه فراهم ساخته است.

این دگرگونی، به‌ویژه برای زنان فرصت‌های بیشتری جهت پیشرفت فراهم کرده است. گل‌دین بر این نکته تأکید می‌ورزد که برابری واقعی زمانی تحقق می‌یابد که مفاهیمی چون زمان، انعطاف‌پذیری و تعهدات خانوادگی در طراحی مشاغل به رسمیت شناخته شوند. به عبارت دیگر، ساختار شغلی باید به گونه‌ای بازآفرینی شود که موفقیت تنها در گرو کارکردن شصت ساعت در هفته و بدون وقفه نباشد. وی معتقد است که ما در آستانه‌ی تحولی اساسی قرار داریم؛ تحولی که تکنولوژی،

فرهنگ، و حتی ترجیحات نسل‌های جدید در حال رقم‌زدن آن هستند. نسل امروز دیگر تنها در پی کسب درآمد بیشتر نیست، بلکه به دنبال تعادل میان زندگی و کار می‌گردد.

چنین تغییری می‌تواند به سود زنان تمام شود؛ چراکه محیط کار را به‌سوی انسان‌محورتر شدن سوق می‌دهد.

گل‌دین در پایان نتیجه‌گیری می‌کند که رفع

شکاف جنسیتی صرفاً از رهگذر اصلاح قوانین یا سیاست‌گذاری‌ها میسر نخواهد بود، بلکه نیازمند بازطراحی ساختار بازار کار است. باید مشاغل پدید آورد که افراد (اعم از زن و مرد) بتوانند در کنار ایفای نقش حرفه‌ای موفق، زندگی خانوادگی پویایی نیز داشته باشند.

تحقیقات کلودیا گل‌دین نشان می‌دهد که حضور زنان در بازار کار، فقط به شرایط اقتصادی بستگی ندارد و عوامل فرهنگی و اجتماعی نقش مهم‌تری دارد.

در ایران نیز با اینکه تعداد زیادی از بانوان تحصیلات عالی دارند، اما هنوز هم مشارکتشان در بازار کار به مراتب کمتر از مردان است؛ به همین خاطر، برای بهبود وضع زنان در اقتصاد، تنها رشد اقتصادی کافی نیست و باید در نگاه جامعه و سیاست‌گذاری‌ها نیز تغییراتی ایجاد شود.

منابع:

۱) کلودیا گل‌دین. (۱۳۷۴).
(تابع U شکل مشارکت نیروی کار زنان در توسعه اقتصادی و تاریخ اقتصادی).
سرمایه گذاری در سرمایه انسانی زنان و توسعه اقتصادی (ص ۶۱ تا ۹۰).
شیکاگو: انتشارات دانشگاه شیکاگو

۲) سایت دنیای اقتصاد

donya-e-eqtesad.com

۳) سایت خبر آنلاین

www.khabaronline.ir

۴) سایت اکو ایران

ecoiran.com

اقتصاد سبز و توسعه پایدار

به قلم :

زهرا هاشمی

دانشجو کارشناسی اقتصاد

ورودی 401



و

مهلا سرابی نژاد

دانشجو کارشناسی اقتصاد

ورودی 401



مکدونا و بنیاد الن مک آرتور، به ویژه بر تأکید بر طراحی سیستم‌های اقتصادی که ضمن کاهش ضایعات، از منابع تجدیدپذیر بهره می‌برند، متمرکز است. در این راستا، اقتصاد دایره‌ای به دنبال جایگزینی مدل خطی رایج و ناکارآمد اقتصادی است که در آن تولید، مصرف و دفع ضایعات به صورت غیرمدور و یک‌طرفه است.

سه اصل بنیادین اقتصاد دایره‌ای

عبارتند از:

۱. حفظ و بازسازی منابع طبیعی: استفاده از منابع تجدیدپذیر به جای مصرف بی‌رویه منابع طبیعی محدود و غیرقابل بازسازی.
۲. استفاده بهینه از مواد: بهره‌برداری از مواد فنی و بیولوژیکی در یک چرخه بسته که باعث کاهش نیاز به استخراج مواد جدید و کاهش ضایعات می‌شود.
۳. ارتقاء بهره‌وری سیستم‌ها: شامل کاهش آلودگی، هدررفت انرژی و مواد از طریق بهینه سازی فرآیندهای تولید و مصرف می‌باشد.



از دیدگاه کل‌نگر، این مدل توانایی زیادی برای مقابله با چالش‌های عمده‌ای چون اتلاف منابع، آلودگی‌های زیست‌محیطی و ناپایداری‌های اقتصادی دارد. اقتصاد دایره‌ای می‌تواند به طور قابل توجهی هزینه‌ها را کاهش دهد، ارزش‌های افزوده بیشتری ایجاد کند، وابستگی به منابع خام را کاهش دهد

و انتشار کربن کمک می‌کند، بلکه به افزایش اشتغال، ارتقاء بهره‌وری و کاهش فقر نیز منجر می‌شوند.

با این حال، تحقق اقتصاد سبز نیازمند ایجاد شرایط تسهیل‌کننده‌ی مناسب در سطوح ملی و بین‌المللی است. اصلاح سیاست‌های مالی، حذف یارانه‌های زیان‌آور برای محیط‌زیست، تنظیم مقررات زیست‌محیطی مؤثر، تقویت سازوکارهای حقوقی، و توسعه زیرساخت‌های بازار برای فناوری‌های سبز، از جمله گام‌های اساسی در این مسیر به شمار می‌روند. همچنین، لازم است با اصلاح ساختارهای موجود که اغلب به نفع اقتصاد قهوه‌ای و مبتنی بر سوخت‌های فسیلی عمل می‌کنند، زمینه برای گذار به الگوی اقتصاد سبز فراهم شود.

در نهایت، اقتصاد سبز را نباید جایگزینی برای توسعه پایدار دانست، بلکه می‌توان آن را ابزاری عملی و کاربردی برای تحقق اهداف توسعه پایدار تلقی کرد. گزارش‌ها و مطالعات متعدد نشان می‌دهند که سبزسازی اقتصادها نه تنها با ایجاد ثروت و اشتغال مغایرتی ندارد، بلکه در بسیاری موارد زمینه‌ساز تقویت این مولفه‌ها نیز بوده است. از این رو، اقتصاد سبز فرصتی است تا با نگاهی جامع، آینده‌ای پایدارتر، عادلانه‌تر و زیست‌پذیرتر برای همه ساکنان زمین رقم بخورد.

دستیابی به پایداری نیازمند تغییر اساسی در ساختارهای اقتصادی است و سبزسازی اقتصاد می‌تواند بستر لازم برای این تحول را فراهم آورد. به همین دلیل، در سال‌های اخیر سیاست‌گذاران جهانی به سمت گفتمان اقتصاد سبز حرکت کرده‌اند؛ گفتمانی که در آن رشد اقتصادی در تعارض با محیط زیست قرار نمی‌گیرد، بلکه بر مبنای هم‌افزایی میان توسعه و حفاظت از طبیعت بنیان نهاده می‌شود.

پیوند اقتصاد دایره‌ای و اقتصاد سبز

اقتصاد دایره‌ای مفهومی است که به‌طور خاص از دهه ۱۹۶۰ به بعد شکل گرفت و ریشه در تلاش‌ها برای اصلاح و بهبود مدل‌های اقتصادی به‌ویژه در راستای کاهش آسیب‌های زیست‌محیطی و بهره‌برداری بهینه از منابع طبیعی دارد. این مدل با تأکید بر ایده‌های بنیادی والتر استاهل، مایکل برونگارت، ویلیام

در دهه‌های اخیر، بشر با چالش‌های متعددی در عرصه‌های زیست‌محیطی، اقتصادی و اجتماعی مواجه شده است. بحران‌های زیست محیطی همچون گرم شدن زمین، کاهش تنوع زیستی، آلودگی منابع طبیعی و بهره‌برداری بی‌رویه از منابع، در کنار نابرابری‌های اجتماعی و اقتصادی فزاینده، جوامع بشری را به بازنگری در مدل‌های توسعه واداشته‌اند. در این میان، مفهوم (اقتصاد سبز) به عنوان الگویی نوین و جامع‌نگر برای دستیابی به توسعه‌ای پایدار و متوازن، توجه بسیاری از سیاست‌گذاران، اندیشمندان و فعالان حوزه محیط‌زیست را به خود جلب کرده است.

بر اساس تعریف سازمان محیط زیست ملل متحد (UNPE)، اقتصاد سبز اقتصادی است که در آن بهبود رفاه انسانی و عدالت اجتماعی، هم‌زمان با کاهش چشمگیر مخاطرات زیست محیطی و کمبودهای اکولوژیکی محقق می‌شود. به بیان ساده‌تر، اقتصاد سبز اقتصادی با کربن پایین، بهره‌وری بالای مصرف منابع و فراگیری اجتماعی گسترده است. این تعریف، حاکی از پیوند تنگاتنگ بین رشد اقتصادی، عدالت اجتماعی و حفاظت از محیط زیست است؛ سه مولفه‌ای که در رویکردهای سنتی توسعه، اغلب به صورت جداگانه و بعضاً متضاد با یکدیگر در نظر گرفته می‌شدند.

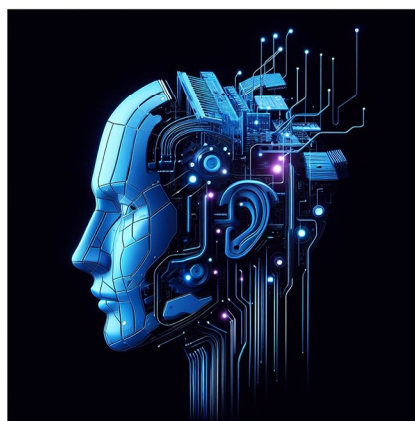
اقتصاد سبز بر این اصل استوار است که رشد اقتصادی می‌تواند و باید در راستای حفاظت از محیط‌زیست و بهبود عدالت اجتماعی شکل گیرد. در این راستا، سرمایه‌گذاری‌های عمومی و خصوصی در حوزه‌هایی چون انرژی‌های تجدیدپذیر، بهره‌وری انرژی، فناوری‌های پاک، کشاورزی پایدار، و مدیریت هوشمند منابع طبیعی از اهمیت بالایی برخوردارند؛ چنین سرمایه‌گذاری‌هایی نه تنها به کاهش آلودگی و

از منابع طبیعی تأکید دارد و به دنبال ایجاد تحولاتی بنیادین در سیاست‌ها و سرمایه‌گذاری‌ها برای تحقق یک اقتصاد پایدار است. در عین حال، اقتصاد دایره‌ای با استفاده از منابع تجدیدپذیر و طراحی سیستم‌های بسته تولید، هدف کاهش ضایعات و بهره‌وری بیشتر از منابع را دنبال می‌کند.

این دو مدل در کنار هم می‌توانند به عنوان ابزارهای مؤثر در حل چالش‌های زیست‌محیطی و اقتصادی عمل کنند. پیوند این دو رویکرد، توانایی فراوانی در ایجاد تغییرات مثبت در سطح اقتصادی، اجتماعی و محیط زیستی دارد. با این حال، دستیابی به این اهداف نیازمند ایجاد بسترهای مناسب از جمله اصلاحات قانونی، افزایش آگاهی عمومی و ارتقاء سرمایه‌گذاری در حوزه‌های تحقیق و توسعه است.

در ایران، اگرچه مشکلاتی نظیر ضعف قوانین حمایتی و کمبود سرمایه‌گذاری در بخش‌های مرتبط با اقتصاد سبز و دایره‌ای وجود دارد، اما با توجه به ظرفیت‌های موجود و لزوم حرکت به سمت توسعه پایدار، این مدل‌ها می‌توانند نقشی کلیدی در جهت‌گیری اقتصاد کشور ایفا کنند. لذا، توجه به سیاست‌گذاری‌های مناسب، سرمایه‌گذاری‌های نوآورانه و برنامه‌های آموزشی برای ارتقاء آگاهی عمومی می‌تواند شرایطی را برای انتقال به اقتصاد سبز و دایره‌ای فراهم کند و در نهایت زمینه‌ساز توسعه‌ای پایدارتر و هماهنگ‌تر با نیازهای زیست‌محیطی و اجتماعی گردد.

در سطح ملی، سبزشازی بودجه‌ها، هدف‌گذاری برای حمایت از بخش‌های سبز، اجرای دقیق قوانین زیست‌محیطی و تقویت شفافیت اهمیت دارند. در سطح بین‌المللی نیز، تسهیل جریان سرمایه، انتقال فناوری‌های پاک، همکاری‌های علمی و ایجاد چارچوب‌های تجاری سازگار با محیط زیست می‌تواند حرکت به سمت اقتصاد سبز را تسریع کند.



تأثیر هوش مصنوعی بر رشد سبز

هوش مصنوعی (AI) می‌تواند نقشی کلیدی در تسهیل گذار به اقتصاد سبز ایفا کند. پژوهش‌ها نشان داده‌اند که در صورت استفاده مناسب و در چارچوب مقررات زیست‌محیطی، هوش مصنوعی می‌تواند به بهینه‌سازی مصرف انرژی، افزایش کارایی فرآیندهای صنعتی و کاهش انتشار گازهای گلخانه‌ای کمک کند. اما اگر بدون نظارت و برنامه‌ریزی دقیق استفاده شود، می‌تواند منجر به افزایش بار زیست‌محیطی شود.

تحلیل‌های اقتصادسنجی در ایالات متحده بین سال‌های ۱۹۹۰ تا ۲۰۲۲ نشان داده که نوآوری‌های مبتنی بر هوش مصنوعی، در کنار سیاست‌های مناسب، می‌توانند به بهبود سلامت محیط زیست کمک کنند. اما از سوی دیگر، رشد اقتصادی، سرمایه‌گذاری خارجی، مصرف انرژی و شهرنشینی بدون کنترل می‌تواند به افزایش انتشار گازهای گلخانه‌ای منجر شود. بنابراین، برای دستیابی به یک رشد سبز، به استراتژی متوازنی نیاز است که بهره‌وری و رشد اقتصادی را تضمین کرده و در عین حال فشارهای زیست‌محیطی را کاهش دهد.

اقتصاد سبز و اقتصاد دایره‌ای، هر دو به عنوان الگوهای نوین و کاربردی در راستای توسعه پایدار و حفاظت از محیط‌زیست شناخته می‌شوند. اقتصاد سبز بر اهمیت هم‌افزایی میان رشد اقتصادی، عدالت اجتماعی و حفاظت از

و تاب‌آوری اقتصادی را افزایش دهد. علاوه بر این، این مدل فضای مناسبی برای نوآوری‌های فناورانه در طراحی محصولات و فرآیندهای تولیدی فراهم می‌آورد.

با این حال، اجرای موفقیت‌آمیز اقتصاد دایره‌ای به چالش‌هایی نیز برمی‌خورد. یکی از مشکلات عمده، عدم وجود زیرساخت‌های قانونی و اجرایی کافی است که مانع از پیاده‌سازی مؤثر این مدل می‌شود. علاوه بر این، پایین بودن سطح آگاهی عمومی و پیچیدگی در هماهنگی میان بخش‌های مختلف اقتصادی و صنعتی نیز از جمله موانع جدی در این زمینه محسوب می‌شود. از سوی دیگر، درحالی‌که فرصت‌هایی همچون صرفه‌جویی اقتصادی، گسترش بازارهای نو و اشتغال‌زایی در بخش‌هایی نظیر بازیافت و تعمیرات وجود دارد، تهدیدهایی نیز مانند تمرکز منابع در دست شرکت‌های بزرگ و مشکلات در هماهنگی زنجیره تأمین نیز باید مدنظر قرار گیرد. در نهایت، اقتصاد دایره‌ای در ایران با مشکلات خاص خود روبه‌رو است. این مشکلات شامل ضعف قوانین و مقررات حمایتی، کمبود سرمایه‌گذاری در تحقیق و توسعه (R&D)، و نبود کمپین‌های آگاهی‌رسانی برای ارتقاء دانش عمومی در خصوص این مدل است. با این حال، با توجه به ظرفیت‌های موجود در کشور، اگر شرایط مناسب در زمینه سیاست‌گذاری، آموزش و سرمایه‌گذاری فراهم شود، این مدل می‌تواند به عنوان یک راهکار مؤثر برای رسیدن به توسعه اقتصادی پایدار و همسو با اصول زیست‌محیطی و اجتماعی، در آینده پیاده‌سازی شود.

پیش‌نیازهای گذار به اقتصاد سبز

برای گذار به اقتصاد سبز، ایجاد شرایط تسهیل‌کننده حیاتی است. این شرایط شامل اصلاحات نهادی، تنظیم یارانه‌ها، تدوین مشوق‌های مالی و فراهم‌سازی بسترهای بازارهای بین‌المللی می‌شود. بسیاری از سیاست‌ها و ساختارهای اقتصادی به‌طور فعلی از اقتصاد قهوه‌ای حمایت می‌کنند؛ مثلاً در سال ۲۰۰۸ یارانه‌های سوخت‌های فسیلی جهانی حدود ۶۵۰ میلیارد دلار بوده‌اند، که این امر موجب دشواری در انتقال به انرژی‌های تجدیدپذیر و کاهش انگیزه برای بهره‌وری انرژی شده است. اما با اعمال اصلاحات ساختاری می‌توان شرایط را برای جذب سرمایه‌گذاری‌های سبز و سوق دادن بازار به سمت پایداری فراهم کرد.

مراجع:

۱- فاطمه شهدکار، تقی ترابی و فریدون رهنمای رودپشتی ۱۴۰۱، تحلیل عوامل مؤثر بر توسعه اقتصاد دایره‌ای در ایران

2- Robert Ayres, Andrea Bassi, Paul Clements-Hunt, Holger Dalkmann, Derek Eaton, Maryanne Grieg-Gran, Hans Herren, Cornis Van Der Lugt, Prasad Modak, Lawrence Pratt, Philipp Rode, Ko Sakamoto, Rashid Sumaila, Ton van Dril, Xander van Tilburg, Peter Wooders, and Mike Young, UNEP, 2011, Towards a Green Economy: Pathways to Sustainable Development and Poverty Eradication

3- Edward B. Barbier Department of Economics & Finance, University of Wyoming, Laramie, WY 82071 USA, 2009, Rethinking the Economic Recovery: A Global Green New Deal

4- Abdullah Al Abrar Chowdhury, Azizul Hakim Rafi, Adita Sultana, Abdulla Ali Noman, 2010, Enhancing Green Economy with Artificial Intelligence: Role of Energy Use and FDI in the United States

نقش سازمان‌های بین‌المللی در توسعه

نام سازمان	هدف	نتیجه
بانک جهانی	ارائه وام و کمک مالی برای توسعه زیر ساخت ها و آموزش و بهداشت و...	کاهش فقر و افزایش رشد اقتصادی
صندوق بین‌المللی پول	ارائه کمک‌های مالی کوتاه مدت به کشورهای با مشکلات مالی و تراز پرداخت‌ها	اعمال تغییرات در سیاست‌های اقتصادی کشورهای دریافت‌کننده
سازمان تجارت جهانی	وضع قوانین برای تجارت بین‌المللی و کاهش موانع تجاری	تقویت تجارت آزاد با انتقاداتی درباره نفع بیشتر کشورهای ثروتمند

به قلم :

سوگند سادات ساداتی

دانشجو کارشناسی اقتصاد

ورودی 401



و

حانیه رضازاده مقدم

دانشجو کارشناسی اقتصاد

ورودی 401



سازمان‌های بین‌المللی نهادهایی هستند که با همکاری میان کشورها تشکیل می‌شوند و هدف آن‌ها رسیدگی به مسائل و چالش‌های جهانی است. این سازمان‌ها در زمینه‌های مختلفی مانند حفظ صلح، توسعه اقتصادی، بهداشت جهانی، آموزش، حقوق بشر و محیط زیست فعالیت می‌کنند. با گسترش ارتباطات بین کشورها و پیچیده‌تر شدن مسائل جهانی، نقش سازمان‌های بین‌المللی هر روز پررنگ‌تر می‌شود. آن‌ها تلاش می‌کنند تا با ایجاد هماهنگی و همکاری میان ملت‌ها، راه‌حل‌هایی مشترک برای مشکلات جهانی ارائه دهند. در ابتدا به تعدادی از این نهادهای بین‌المللی اقتصادی و چالش‌های موجود در همکاری با آنان اشاره خواهیم کرد و سپس به صورت جزئی‌تر، صندوق بین‌المللی پول و روابط آن با ایران و همچنین تاثیر سیاست‌هایش بر اقتصاد اکوادور را بررسی خواهیم کرد.

چالش‌های موجود در همکاری‌های بین‌المللی

در این بخش، مشکلات و محدودیت‌های سازمان‌های بین‌المللی مورد بحث قرار گرفته‌اند. برخی از این چالش‌ها عبارتند از:

- ۱- تسلط کشورهای قدرتمند بر تصمیم‌گیری‌های سازمان‌ها که موجب می‌شود کشورهای ضعیف‌تر نفوذ کمتری داشته باشند.
- ۲- عدم توازن اقتصادی بین شمال و جنوب جهان که مانع از توزیع عادلانه منابع و فرصت‌های اقتصادی می‌شود.
- ۳- بحران‌های جهانی مانند تغییرات اقلیمی و شیوع بیماری‌های همه‌گیر که نیاز به همکاری‌های بین‌المللی مؤثرتر را نشان می‌دهند.

صندوق بین‌المللی پول (IMF)

به عنوان یکی از مهم‌ترین نهادهای اقتصادی جهان، صندوق بین‌المللی پول نقش مهمی در ثبات مالی کشورها ایفا می‌کند. این سازمان با ارائه کمک‌های مالی، مشاوره‌های سیاستی و اجرای برنامه‌های اصلاحی، به کشورها در مدیریت بحران‌های اقتصادی و توسعه پایدار کمک می‌کند. در ادامه به بررسی نقش این صندوق در اقتصاد جهانی و تأثیرات آن بر سیاست‌های مالی و تجاری کشورها، با تمرکز بر روابط ایران با این نهاد بین‌المللی، می‌پردازیم.



صندوق بین‌المللی پول به منظور ایجاد ثبات در سیستم مالی جهانی تأسیس شده و وظایف متعددی را بر عهده دارد، از جمله:

- ۱- برنامه‌های تعدیل ساختاری: کشورهایی که با بحران‌های اقتصادی مواجه هستند، تحت شرایط خاصی از کمک‌های مالی این نهاد برخوردار می‌شوند، اما در عوض باید اصلاحات اقتصادی مشخصی را اعمال کنند.
- ۲- مدیریت بدهی‌ها: کشورهای بدهکار می‌توانند با استفاده از برنامه‌های صندوق، بدهی‌های خود را به صورت ساختاری و منظم پرداخت کنند.
- ۳- افزایش ثبات اقتصادی: اجرای برنامه‌های صندوق در کشورهای در حال توسعه، اغلب منجر به بهبود رشد اقتصادی و کاهش نوسانات شدید در بازارهای مالی آن‌ها می‌شود.

یکی از مهم‌ترین نقش‌های صندوق بین‌المللی پول، ارائه مشاوره و نظارت بر سیاست‌های اقتصادی کشورها است. این نظارت در حوزه‌های زیر اعمال می‌شود:

- ۱- سیاست‌های پولی و بانکی: ارائه راهکارهایی برای کنترل تورم، مدیریت نقدینگی و بهبود عملکرد سیستم بانکی.
- ۲- سیاست‌های مالیاتی: شامل اصلاح ساختار مالیاتی کشورها برای افزایش درآمدهای دولتی و کاهش وابستگی به درآمدهای نفتی می‌باشد.
- ۳- مدیریت بدهی‌های داخلی و خارجی: مشاوره برای کاهش بدهی‌های دولت‌ها و استفاده از ابزارهای مالی جدید.

روابط ایران با صندوق بین‌المللی پول



و برخی برنامه‌های توسعه را تعدیل کند. (ایران بین دو انقلاب، پروانده آبراهامیان، ص ۵۱۸، چاپ یازدهم، ۱۳۸۴)

پس می‌توان گفت که ایران در مرحله اول از مراحل چهارگانه روابط خود با صندوق بین‌المللی پول، به دلیل کاهش تجارت خارجی، افت درآمد نفت، کمبود مواد غذایی و افزایش هزینه‌های زندگی، واجد شرایط دریافت کمک مالی از صندوق شد.

مرحله دوم (از ۱۹۷۴ به بعد): با افزایش قیمت جهانی نفت و ایجاد مازاد درآمد در کشورهای صادرکننده، صندوق خط اعتباری ای تحت عنوان "تسهیلات نفتی" ایجاد کرد. منابع این اعتبار از سوی کشورهای نفت‌خیز (از جمله ایران) و صنعتی تأمین شد.

مرحله سوم (پس از انقلاب اسلامی): ارتباط ایران با صندوق به حداقل رسید و بیشتر در حد دریافت گزارش‌ها، حضور کارشناسان در دوره‌های آموزشی و برخی امور جاری باقی ماند. مرحله چهارم (از ۱۹۹۰ به بعد): با اعزام دوباره کارشناسان صندوق به ایران، روابط بهبود یافت و تا به امروز ادامه دارد. در حال حاضر ایران از سهمیه ۲.۱۵ میلیارد SDR نزد صندوق برخوردار است.

ایران در سال ۱۹۴۵ (۱۳۲۴ هجری شمسی) بر اساس قانون مصوب مجلس، به عضویت صندوق بین‌المللی پول درآمد و جزء اولین اعضای این نهاد بین‌المللی با سهمیه اولیه ۲۵ میلیون دلار شد. اکنون پس از ۱۲ مرحله افزایش سرمایه، سهمیه ایران به حدود ۲.۱۵ میلیارد SDR رسیده است.

روابط ایران با صندوق تاکنون در چهار مرحله قابل تقسیم است:

مرحله اول (پس از جنگ جهانی دوم): از سال ۱۳۳۳، که دولت با پی بردن به کافی نبودن درآمدهای نفتی برای تأمین هزینه‌ی برنامه‌ی بلندپروازانه‌ی هفت ساله و همچنین هزینه‌های فزاینده نظامی به کسری بودجه دچار شد و به دریافت وام‌های هنگفت از خارج روی آورد، بحران اقتصادی آغاز شد. کسری بودجه با برداشت بد محصول در سال‌های ۱۳۳۸-۱۳۳۹ هم‌زمان شد و شاخص هزینه‌ی زندگی نسبتاً ثابت سال‌های ۱۳۳۳-۱۳۳۶ را از سال ۱۳۳۶ تا ۱۳۳۹ بیش از ۳۵ درصد افزایش داد.

(Central Bank of Iran, Bulletin, 8(June1970))

دریافت وام‌های سنگین هم اندوخته‌های خارجی کشور را به کلی خالی و در نتیجه ایران را به تقاضای کمک‌های فوق‌العاده از صندوق بین‌المللی پول وادار کرد. شرایط صندوق بین‌المللی پول برای پرداخت یک کمک ۳۵ میلیون دلاری این بود که ایران بودجه‌ی خود را سامان دهد، حقوق و دستمزدها را پایین آورد

صندوق بین‌المللی پول به کشورهایی که دچار بحران‌های اقتصادی شده‌اند، تسهیلاتی از جمله:

- ۱- ترتیبات احتیاطی: کشورها می‌توانند از این تسهیلات به عنوان پشتوانه‌ای برای مقابله با بحران‌های مالی استفاده کنند.
- ۲- برنامه‌های اصلاح ساختاری: این برنامه‌ها شامل تغییر در سیاست‌های اقتصادی، کاهش کسری بودجه و تقویت نهادهای مالی است.
- ۳- تسهیلات جبران مالی: کشورهایی که دچار بحران‌های ارزی و تجاری شده‌اند، می‌توانند از این تسهیلات برای بهبود شرایط اقتصادی خود بهره ببرند.

صندوق بین‌المللی پول علاوه بر مدیریت

بحران‌های مالی، تلاش می‌کند از طریق

سیاست‌های اقتصادی مناسب،

به کاهش فقر در سطح جهان کمک کند.

این اقدامات شامل:

- ۱- سرمایه‌گذاری در برنامه‌های توسعه‌ای: کشورها را به سمت رشد اقتصادی پایدار سوق می‌دهد.
- ۲- کاهش نابرابری اقتصادی: اجرای سیاست‌هایی برای افزایش رفاه عمومی و کاهش شکاف طبقاتی.
- ۳- پشتیبانی از اصلاحات ساختاری در کشورهای فقیر: ارائه کمک‌های فنی و مالی به دولت‌ها برای بهبود شرایط اقتصادی شهروندان.



دهند، البته به شرطی که سیاست‌های پیشنهادی آن‌ها با نیازها و واقعیت‌های داخلی هماهنگ باشد.

در نهایت، رسیدن به نتایج مثبت از همکاری با سازمان‌های بین‌المللی، نیازمند نگاهی منتقدانه، برنامه‌ریزی دقیق و مشارکت فعال کشورها در فرآیند تصمیم‌گیری است.



سیاست‌های صندوق بین‌المللی پول در اکوادور

در مارس ۲۰۱۹، اکوادور با صندوق بین‌المللی پول (IMF) برای دریافت وام ۴.۲ میلیارد دلاری طی سه سال توافق کرد. این وام مشروط به اجرای برنامه‌ای اقتصادی با محوریت اصلاحات ساختاری بود که هدف آن، به گفته رئیس وقت صندوق، مدرن‌سازی اقتصاد و ایجاد رشد پایدار بود.

برنامه اقتصادی شامل کاهش شدید هزینه‌های دولت (معادل ۶٪ از تولید ناخالص داخلی)، اخراج ده‌ها هزار نفر از کارکنان دولتی و افزایش مالیات‌هایی بود که بیشتر بر اقشار کم‌درآمد فشار می‌آورد. همچنین، کاهش قابل توجهی در سرمایه‌گذاری‌های عمومی ایجاد شد. این سیاست‌ها باعث نگرانی‌هایی درباره ورود اقتصاد به رکود عمیق، افزایش فقر و بیکاری شد؛ پدیده‌ای که در بسیاری از کشورهای مجری برنامه‌های IMF تکرار شده است.

نکته مهم دیگر، تکیه این برنامه بر فرضیات غیرواقعی بود. صندوق پیش‌بینی کرده بود که طی سال‌های ۲۰۱۹ تا ۲۰۲۲، حدود ۵.۴ میلیارد دلار سرمایه خارجی وارد اکوادور خواهد شد، در حالی که در سه سال قبل از آن، بیش از ۱۶.۵ میلیارد دلار سرمایه از کشور خارج شده بود. همچنین، این سیاست‌ها بر اساس ایده (ریاضت انبساطی) طراحی شده بودند؛ سیاستی که کاهش هزینه‌های دولتی را موتور رشد اقتصادی می‌داند، در حالی که تجربیات جهانی، خلاف آن را نشان می‌دهند.

برنامه صندوق همچنین شامل تغییرات بنیادین در ساختار اقتصادی و سیاسی کشور بود؛ از جمله افزایش استقلال بانک مرکزی، خصوصی سازی دارایی‌های عمومی و اصلاح قانون کار به نفع کارفرمایان. این اصلاحات از نظر بسیاری از مردم اکوادور، رنگ و بوی سیاسی داشت و تضعیف استقلال کشور را در پی داشت.

نهایتاً، این رویکردها در تضاد با سیاست‌های دولت پیشین به رهبری رافائل کوره‌آ بود؛ دولتی که با رویکرد چپ‌گرایانه، بر سرمایه‌گذاری در زیرساخت‌ها و خدمات اجتماعی تمرکز داشت و توانست شاخص‌های فقر و توسعه انسانی را بهبود بخشد. اما دولت جدید به رهبری لنین مورنو، به سمت سیاست‌های همسو با آمریکا و صندوق بین‌المللی پول حرکت کرد که به گفته بسیاری، استقلال اقتصادی کشور را به مخاطره انداخته است.

سازمان‌های بین‌المللی نقش مهمی در کمک به کشورها برای مقابله با بحران‌های اقتصادی، کاهش فقر و رسیدن به توسعه پایدار دارند. نهادهایی مثل صندوق بین‌المللی پول، بانک جهانی و سازمان تجارت جهانی، هر کدام با روش‌ها و اهداف خاص خود، تلاش می‌کنند تا همکاری بین کشورها را تقویت کرده و به حل مشکلات جهانی کمک کنند.

با این حال، عملکرد این سازمان‌ها همیشه بدون انتقاد نبوده است. گاهی تصمیمات آن‌ها بیشتر به نفع کشورهای قدرتمند تمام می‌شود و کشورهای با اقتصاد ضعیف‌تر، متحمل فشارهای بیشتری می‌شوند. مثالی مانند اکوادور نشان می‌دهد که اجرای برنامه‌های اصلاحی صندوق بین‌المللی پول، اگر بدون توجه به شرایط واقعی کشور انجام شود، می‌تواند باعث افزایش فقر و نارضایتی عمومی شود. ایران هم در طول دهه‌ها روابط متفاوتی با این نهادها داشته است؛ از دوره‌های تعامل نزدیک گرفته تا دوره‌هایی که ارتباطات کاهش یافته. با این حال، همچنان این سازمان‌ها می‌توانند منابع و تجربیات مفیدی را در اختیار کشورها قرار

منابع

(۱) لیلا آقامیرکلایی / وظایف . کارکردها و چالش‌های پیش روی صندوق بین‌المللی پول و چگونگی روابط جمهوری اسلامی ایران با آن

(۲) اندیشکده دیپلماسی اقتصادی

eco-dip.ir

(۳) ضیا الدین صبوری / امیر مسعود شهرام نیا / رثوف رحیمی / ۱۳۹۲ / سازمان‌های بین‌المللی و الگوی همکاری اقتصادی سیاسی شمال- جنوب





Warning!

for economic policymakers

چند

هشدار برای سیاست گذاران اقتصادی

به قلم :

محسن فرخنده عمل اقدام

دانشجو کارشناس اقتصاد
ورودی 401



عطیه اشرفی

دانش آموخته مقطع
کارشناسی اقتصاد



1- سهم تحقیق و توسعه

(Research & Development)

از تولید ناخالص داخلی

تحقیق و توسعه به مجموعه‌ای از فعالیت‌های نظام‌مند اطلاق می‌شود که سازمان‌ها با هدف خلق نوآوری، ارتقای محصولات و خدمات موجود، و بهینه‌سازی فرآیندهای تولیدی انجام می‌دهند. این فرآیند، که شامل سه مرحله اصلی تحقیقات پایه، تحقیقات کاربردی و توسعه فناوری است، درک عمیق‌تری از نیازهای بازار و پیشرفت‌های علمی را ممکن می‌سازد. از طریق R&D، شرکت‌ها نه تنها به مزیت رقابتی در عرصه‌های اقتصادی دست می‌یابند، بلکه با کاهش هزینه‌ها و افزایش کارایی، زمینه ورود به بازارهای جدید را نیز فراهم می‌کنند.

صنایع پیشرو و ضرورت سرمایه‌گذاری مستمر

اهمیت تحقیق و توسعه در صنایع فناوری محور مانند هوافضا، الکترونیک، داروسازی و فناوری اطلاعات به وضوح آشکار است. در این حوزه‌ها، بقا و پیشرفت بنگاه در گرو نوآوری پیوسته است. سرمایه‌گذاری در R&D به شرکت‌ها اجازه می‌دهد تا با کشف روش‌های تولیدی کارآمدتر و عرضه محصولات پیشرفته‌تر، جایگاه خود را در رقابت جهانی تثبیت کنند. این فرآیند، افزون بر تقویت اقتصاد ملی، تأثیرات ملموسی بر بهبود کیفیت زندگی جوامع دارد؛ از توسعه داروهای نجات‌بخش تا فناوری‌های سبز که بحران‌های محیط زیستی را کاهش می‌دهند.

تحقیق و توسعه با سه مکانیسم کلیدی، رشد اقتصادی را شتاب می‌بخشد:

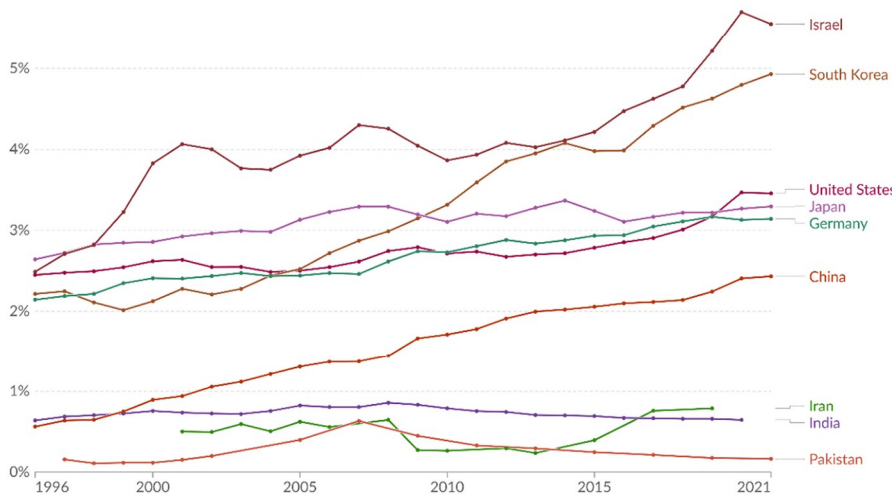
۱. افزایش بهره‌وری: کشف روش‌های نوین تولید و توزیع، هزینه‌ها را کاهش داده و خروجی اقتصادی (GDP) را بهبود می‌بخشد.

Research and development - 1

Research & development spending as a share of GDP

Includes basic research, applied research, and experimental development.

Our World in Data



Data source: Multiple sources compiled by World Bank (2024)

OurWorldInData.org/research-and-development | CC BY

Note: Spending includes current and capital expenditures (public and private) on research.

ماخذ: Our World In Data.org

2019
in % of GDP

Israel	5.2%
South Korea	4.6%
Japan	3.2%
United States	3.2%
Germany	3.2%
China	2.2%
Iran	0.8%
India	0.7%
Pakistan	0.2%

۲. ارتقای کیفیت محصولات: نوآوری‌های ناشی از R&D، کالاها و خدمات را بهینه می‌کند و تقاضای مصرف‌کننده را تحریک می‌نماید. ۳. رقابت‌پذیری پایدار: اقتصادهایی که در R&D سرمایه‌گذاری می‌کنند، با توسعه فناوری‌های انحصاری، جایگاهی برتر در بازارهای جهانی کسب می‌کنند.

تحقیق و توسعه، حلقه اتصال بین نوآوری و پیشرفت است. این فرآیند، هم‌زمان به رشد اقتصادی از طریق افزایش تولید ناخالص داخلی کمک می‌کند و هم با خلق فناوری‌های تحول آفرین، کیفیت زندگی را متحول می‌سازد. در جهانی که سرعت تغییرات فناورانه هر روز بیشتر می‌شود، سرمایه‌گذاری هدفمند در R&D نه یک انتخاب، که یک ضرورت استراتژیک برای تضمین آینده‌ای پایدار و رقابتی است.

با توجه به آمار منتشر شده از سایت Our World In Data، سهم تحقیق و توسعه از تولید ناخالص داخلی در سال ۲۰۱۹ برای کشور ایران ۰.۸ درصد بوده است و همانطور که در نمودار قابل مشاهده است، این نسبت برای کشورهای همچون اسرائیل، کره جنوبی و... سهم بیشتری به خود اختصاص داده است.

با توجه به اینکه تولید ناخالص داخلی کشورهای مورد مشاهده به جز کشور پاکستان با میزان تولید ناخالص داخلی ایران اختلاف عددی زیادی دارد اما مشاهده می‌شود که سهم بیشتری از تولید ناخالص داخلی خود را به تحقیق و توسعه اختصاص داده‌اند.

Gross Domestic Product - 2

در جدول زیر مقایسه مختصری بین چند کشور در سال ها ۲۰۱۹ تا ۲۰۲۱ انجام شده است

کشور	(%) 2019	(%) 2020	(%) 2021
کره جنوبی	4.6	4.8	4.9
چین	2.2	2.4	2.4
سنگاپور	1.9	2.2	-
ترکیه	1.3	1.4	1.4
امارات	1.3	1.5	1.5
تایلند	1.1	1.3	-
هنگ کنگ	0.9	1.0	1.0
ایران	0.8	-	-
هند	0.7	0.6	-
قطر	-	-	0.7
عربستان سعودی	-	0.5	0.4

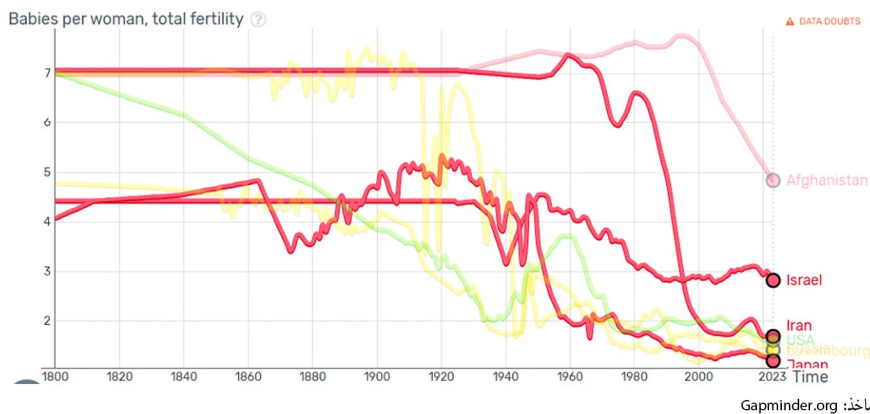
اعداد درصد از تولید ناخالص داخلی می باشند.
ماخذ: Our World In Data.org

سیاست‌گذاران اقتصادی موظفند با تدوین چارچوب‌های حمایتی و ایجاد زیرساخت‌های لازم، صنایع تولیدی اعم از دولتی و خصوصی را به سرمایه‌گذاری هدفمند در تحقیق و توسعه (R&D) ترغیب نمایند. این اقدام، با محوریت ارتقای فناوری‌های نوین و بهینه‌سازی فرآیندها، منجر به کاهش هزینه‌های تولید، افزایش کیفیت محصولات و رشد بهره‌وری خواهد شد. در نتیجه، رقابت‌پذیری بنگاه‌ها در بازارهای داخلی و جهانی تقویت شده و زنجیره‌ای از اثرات مثبت اقتصادی از جمله رشد پایدار تولید ناخالص داخلی (GDP) شکل می‌گیرد. نهایتاً، این چرخه مثبت با ایجاد اشتغال پایدار، توزیع عادلانه‌تر درآمدها و دسترسی جامعه به کالاها و خدمات باکیفیت، سطح رفاه عمومی را ارتقا خواهد داد.

2- تغییرات نرخ باروری زنان در ایران

نرخ باروری برای زنان معیاری است که تعداد متوسط فرزندان را که یک زن در طول دوران باروری خود (معمولاً از حدود سن ۱۵ تا ۴۹ سالگی) به دنیا می‌آورد، اندازه‌گیری می‌کند. این شاخص به عنوان یک عامل کلیدی در تحلیل جمعیتی و برنامه‌ریزی‌های اجتماعی و اقتصادی در نظر گرفته می‌شود. نرخ باروری تحت تأثیر عوامل مختلفی از جمله وضعیت اجتماعی و اقتصادی، دسترسی به خدمات بهداشتی و آموزشی، و فرهنگ و ارزش‌های جامعه قرار دارد.

نرخ باروری کل (Total Fertility Rate)، میزان زاد و ولد لازم برای حفظ تعادل جمعیتی را منعکس می‌کند. برای این که جمعیتی بدون مهاجرت مشابه رشد یا کاهش نکند، این نرخ معمولاً حدود ۲.۱ فرزند به ازای هر زن در نظر گرفته می‌شود که به عنوان "نرخ جایگزینی" شناخته می‌شود. در بسیاری از کشورها، این نرخ در دهه‌های اخیر کاهش یافته است که بخشی از آن به دلیل تغییر در الگوهای سبک زندگی، افزایش اشتغال زنان و دسترسی به روش‌های پیشگیری از بارداری است. در کشورهای مختلف، تفاوت‌های بزرگی در نرخ باروری مشاهده می‌شود و سیاست‌های مختلفی نیز برای مدیریت این نرخ اجرامی شود تا هم به نیازهای جمعیت رو به رشد پاسخ دهد و هم به چالش‌های کمبود نیروی کار یا پیری جمعیت پرداخته شود.



را افزایش داده و تنش‌های بین‌المللی و مهاجرت‌های ناشی از بحران‌های اقتصادی و زیست‌محیطی را تشدید کند. یکی از پیشنهادات این سند، ارتقاء سیاست‌های کنترل جمعیت از طریق آموزش و دسترسی بیشتر به ابزارهای پیش‌گیری از بارداری در کشورهای در حال توسعه بود. استدلال اصلی این بود که کاهش رشد جمعیت در این کشورها می‌تواند به کاهش فشار بر منابع جهانی و افزایش ثبات بین‌المللی کمک کند.

مقام معظم رهبری همواره توجه سیاست‌گذاران را به موضوعات و سیاست‌های جمعیتی سوق داده‌اند که این نشان‌دهنده اهمیت فراوان این موضوع می‌باشد.

همانطور که اشاره شد فرزندآوری مستلزم وجود شرایط و امکانات اقتصادی می‌باشد که پیشنهاد می‌شود سیاست‌گذاران اقتصادی و اجتماعی به این موضوع دقت لازم را داشته باشند.

همانطور که در نمودار مشاهده می‌شود نرخ باروری در ایران از عدد ۷.۳۸ فرزند به ازای هر زن در سال ۱۹۵۹ در حال حاضر به عدد ۱.۷ فرزند به ازای هر زن (در سال ۲۰۲۳) رسیده است. البته این تغییر وضعیت در برخی از کشورهای دیگر هم به چشم می‌خورد اما مقدار کاهش این عدد برای کشور ما بسیار زیاد و قابل توجه بوده است.

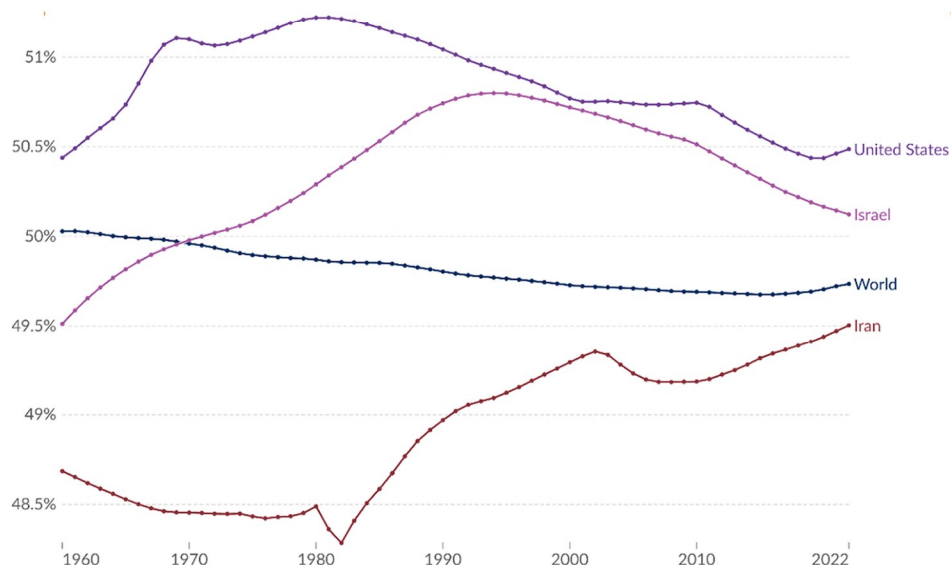
برنامه کنترل جمعیت

برنامه کنترل جمعیت به هنری کسینجر، وزیر امور خارجه سابق ایالات متحده، به عنوان یکی از توصیه‌کنندگان اصلی سیاست‌های جمعیتی ایالات متحده در دهه ۱۹۷۰ نسبت داده می‌شود. که به اصلاحیه گزارش امنیت ملی مطالعه یادداشت ۲۰۰ شناخته می‌شود.

این سند در سال ۱۹۷۴ تهیه شد و امنیت ملی ایالات متحده را در مواجهه با رشد سریع جمعیت جهانی تحلیل کرد. نگرانی‌های اصلی این سند عبارت بودند از اینکه رشد سریع جمعیت جهانی می‌تواند تقاضا برای منابع طبیعی

Share of the population that is female, 1960 to 2022

Our World
in Data



Data source: Multiple sources compiled by World Bank (2024)

OurWorldinData.org/gender-ratio | CC BY

Note: Population is based on the de facto definition of population, which counts all residents regardless of legal status or citizenship.

3- بررسی سهم جمعیت زنان

هدف از بررسی نرخ رشد اقتصادی کشورهای زیر یافتن ارتباط بین نسبت جنسیتی و نرخ رشد اقتصادی می باشد.

بین‌المللی در حال حاضر کشورهای چین، هند، آذربایجان، پاکستان، عربستان سعودی نسبت جمعیت زنان به کل جمعیت زیر ۵۰٪ می باشد. به تعبیری دیگر جمعیت مردان بیش از جمعیت زنان می باشد. اما در کشورهایی مانند روسیه، اوکراین، لتونی، لیتوانی و یونان نسبت جمعیت زنان به کل جمعیت بیش از ۵۰٪ می باشد به این معنا که تعداد زنان در این کشورها بیشتر از مردان می باشد.

در جدول زیر روند رشد اقتصادی کشورهای فوق‌الذکر از سال ۲۰۲۰ الی ۲۰۲۳ (پیش بینی های سایت ourworldindata تا سال ۲۰۲۹ آورده شده است).

فرمول محاسبه نسبت جنسیتی:

$$100 * \frac{\text{نسبت مردان}}{\text{نسبت زنان}} = \text{نسبت جنسیتی}$$

* اعداد به درصد می باشند.

کشور	2029	2027	2025	2024	2023	2022	2021	2020
چین	3.3	3.6	4.5	4.8	5.3	3	8.4	2.2
هند	6.5	6.5	6.5	7	8.2	7	9.7	-5.8
آذربایجان	2.4	2.4	2.5	3.2	1.1	4.7	5.6	-4.2
پاکستان	4.5	4.1	3.2	2.4	-0.2	6.2	5.8	-0.9
عربستان	3.5	3.6	4.6	1.5	-0.8	7.5	5.1	-3.6
روسیه	1.2	1.2	1.3	3.6	3.6	-1.2	5.9	-2.7
اوکراین	4.2	4.5	2.5	3	5.3	-28.8	3.4	-3.8
لتونی	2.5	2.5	2.3	1.2	-0.3	3	6.7	-3.5
لیتوانی	2.2	2.2	2.6	2.4	-0.3	2.4	6.2	0.1
یونان	1.3	1.5	2	2.3	2	5.6	8.4	-9.3

نسبت جنسیتی می تواند به ما کمک کند تا وضعیت اجتماعی و فرهنگی یک جامعه را بهتر درک کنیم. گاهی از نسبت جنسیتی می تواند به سیاست‌گذاران کمک کند تا برنامه‌های بهتری برای تقویت برابری جنسیتی و توسعه پایدار جامعه طراحی کنند.

این نسبت می تواند تغییرات در روندهای جمعیتی و تأثیرات آن بر توسعه را نشان دهد. نسبت جنسیتی یک ابزار مهم در علوم اجتماعی و جمعیت‌شناسی برای تحلیل و درک بهتر ساختار اجتماعی است. با توجه به آمارهای ثبت شده در سایت‌های

با توجه به اطلاعات داده شده از سایت [ourworldindata](https://ourworldindata.org) می‌گردد که پس از پشت سر گذاشتن همه‌گیری پاندمی کرونا و جنگ روسیه و اوکراین که در این دوران نرخ رشد اقتصادی تحت تاثیر عوامل متعدد و بیرونی بوده است، با توجه به پیش‌بینی‌ها از سال ۲۰۲۴ به بعد کشورهایی از جمله چین، هند، عربستان و... که جمعیت مردان در آنها بیشتر می‌باشد شاهد نرخ رشد اقتصادی بالاتری خواهند بود.

درباره ایران

همانطور که در نمودار مشاهده می‌شود درصد جمعیت زنان نسبت به کل جمعیت در کشور ما چند سالی می‌شود که رو به افزایش می‌باشد. از طرفی این نسبت در کشورهایی مانند اسرائیل و ایالات متحده آمریکا چند دهه می‌شود که رو به افول می‌باشد. با توجه به تفسیر ارائه شده راجع به کشورهای همچون چین و هند با دارا بودن نسبت بیشتر جمعیت مرد و کشورهایمانند روسیه و اوکراین با دارا بودن نسبت بیشتر جمعیت زن، برای یک کشور در حال توسعه مانند کشور ما لازم است با استفاده از علوم روز دنیا سیاست‌گذاری‌های جمعیتی با تمرکز بر بهبود ترکیب جنسیتی در دراز مدت صورت گیرد.

علاوه بر تاثیرات اقتصادی که ذکر شد فزونی گرفتن جمعیت زنان بر جمعیت مردان می‌تواند برای هر جامعه‌ای پیامدهای اجتماعی خاص خود را داشته باشد.

سیاست‌گذاران این حوزه می‌بایست افق دید خود را بلند مدت قرار دهند تا با تدابیر مناسب و چند وجهی بتوانند آینده بهتری را برای کشور رقم بزنند.

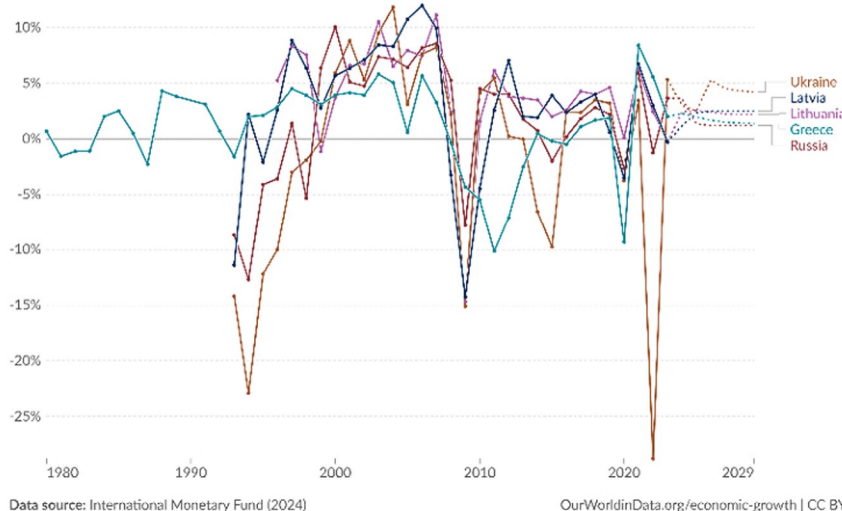
منبع

۱- ourworldindata.org

۲- www.gapminder.org

Annual GDP growth, 1980 to 2029

Annual percent change in gross domestic product¹. This data is adjusted for inflation.



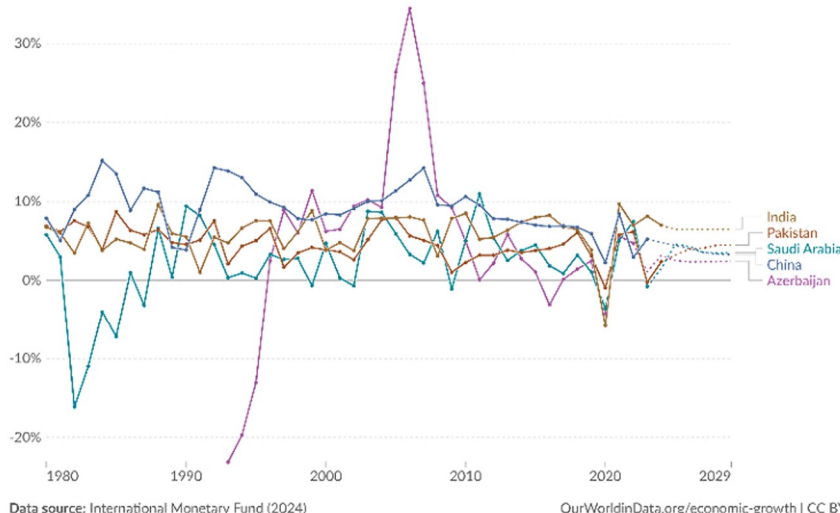
Data source: International Monetary Fund (2024)

OurWorldinData.org/economic-growth | CC BY

1. Gross domestic product: Gross Domestic Product (GDP) is a measure of a country's economic performance. It represents the total monetary value of all goods and services produced within a nation's borders over a specific time period, typically annually or quarterly. GDP includes consumption, government spending, investments, and net exports (exports minus imports). GDP is used to gauge the health of an economy, with increases indicating growth and decreases signaling contraction. Policymakers, economists, and analysts use GDP to make informed decisions and comparisons between countries. It can be measured in nominal terms or adjusted for inflation to reflect real GDP.

Annual GDP growth, 1980 to 2029

Annual percent change in gross domestic product¹. This data is adjusted for inflation.



Data source: International Monetary Fund (2024)

OurWorldinData.org/economic-growth | CC BY

1. Gross domestic product: Gross Domestic Product (GDP) is a measure of a country's economic performance. It represents the total monetary value of all goods and services produced within a nation's borders over a specific time period, typically annually or quarterly. GDP includes consumption, government spending, investments, and net exports (exports minus imports). GDP is used to gauge the health of an economy, with increases indicating growth and decreases signaling contraction. Policymakers, economists, and analysts use GDP to make informed decisions and comparisons between countries. It can be measured in nominal terms or adjusted for inflation to reflect real GDP.

بررسی وضعیت گروه های جمعیتی مختلف در کشور

به قلم :

محسن فرخنده عمل اقدام

دانشجو کارشناسی اقتصاد
ورودی 401



و



عطیه اشرفی

دانش آموزته مقطع
کارشناسی اقتصاد



جمعیت بر اساس گروه سنی، به تقسیم بندی جمعیت یک کشور یا منطقه به دسته های سنی مختلف اشاره دارد.

بررسی گروه های سنی مختلف، می تواند به درک بهتر از نیازها و ویژگی های اقتصادی هر گروه سنی کمک کند. به طور کلی، گروه های سنی را می توان به کودکان، جوانان، میانسالان و سالمندان تقسیم کرد.

هدف از این نوشتار بررسی ویژگی ها، نیازها و اقتضاعات گروه های مختلف سنی و در نتیجه الزامات عملی برای سیاست گذاران کلان کشور در جهت دستیابی به توسعه اقتصادی و فردی با محوریت حوزه جمعیت طی سالهای پیش رو نیز می باشد.

کودکان (۰-۱۴ سال):

کودکان ۰ تا ۱۴ سال معمولاً فاقد درآمد مستقل می باشند و برای تأمین نیازهای اقتصادی خود کاملاً وابسته به والدین یا سرپرستان خود هستند. این گروه سنی نیازمند توجه ویژه به جنبه های مختلف زندگی خود از جمله آموزش پایه، تغذیه، بهداشت و سرگرمی هستند. تمامی هزینه های مرتبط با این نیازها به طور مستقیم بر دوش والدین یا سرپرستان قرار دارد و به همین دلیل، تأمین منابع مالی کافی برای رفع این نیازها یکی از وظایف کلیدی خانواده ها محسوب می شود.

برای حمایت از این گروه سنی، سیاست گذاری ها باید بر تأمین دسترسی به آموزش باکیفیت و عادلانه متمرکز شوند. سیستم های آموزشی باید فراتر از آموزش مهارت های پایه مانند خواندن و نوشتن بروند و مهارت هایی مانند تفکر نقاد، حل مسئله و تربیت اخلاقی را نیز شامل شوند. تغذیه سالم و مناسب از طریق برنامه های غذایی مدارس و مراقبت های بهداشتی مانند

واکسیناسیون و معاینات دوره ای باید به تمامی کودکان بدون تبعیض ارائه شود. همچنین، برنامه های حمایتی روانی و اجتماعی، نظیر مشاوره های روانشناختی و فعالیت های فوق برنامه، محیطی امن و مساعد را برای رشد اجتماعی و عاطفی کودکان فراهم می کنند. علاوه بر این، آموزش والدین در خصوص روش های تربیتی مؤثر از طریق کارگاه ها و برنامه های آموزشی می تواند نقش بزرگی در تربیت بهتر کودکان ایفا کند و زمینه ساز مشارکت فعال و مسئولیت پذیری آن ها در جامعه شود. جوانان (۱۵-۲۴ سال):

جوانان در گروه سنی ۱۵ تا ۲۴ سال، با ورود به بازار کار، معمولاً اولین تجربه های اقتصادی خود را کسب می کنند. این مرحله از زندگی اقتصادی آن ها اغلب با درآمدهایی کم و ناپایدار همراه است. بسیاری از جوانان در این دوره نیازمند منابع و فرصت هایی هستند که بتوانند به تدریج استقلال مالی پیدا کنند. مهم ترین نیازهای اقتصادی این گروه شامل دسترسی به آموزش عالی، مهارت آموزی، فرصت های شغلی مناسب و سرمایه اولیه برای آغاز زندگی مستقل است. برای پاسخ به این نیازها، سیاست گذاری ها باید بر چند محور کلیدی متمرکز شوند. ۱- ارتقاء آموزش و مهارت آموزی با ایجاد سیستم های آموزشی کاربردی و برنامه های کارآموزی عملی

برای تسهیل ورود به بازار کار ۲- توجه به بهداشت روانی و جسمی جوانان با اجرای خدمات مشاوره ای و برنامه های بهداشتی مناسب. ۳- ایجاد فرصت های اشتغال و کارآفرینی از طریق تسهیلات مالی و اعتباری. ۴- حمایت از مشارکت اجتماعی و سیاسی این گروه با فراهم آوردن فضای مناسب برای تصمیم گیری جمعی. در نهایت، سیاست های آگاهی بخش و حمایتی علیه رفتارهای پرخطر، با هدایت جوانان به زندگی سالم تر، زمینه رشد و پیشرفت پایدار آن ها را فراهم می کند. میانسالان (۲۵-۶۴ سال):

میانسالان در گروه سنی ۲۵ تا ۶۴ سال، ستون اصلی بازار کار محسوب می شوند و معمولاً درآمد اصلی خانواده ها را تأمین می کنند. این قشر، در مقایسه با سایر گروه های سنی، از ثبات شغلی بیشتری برخوردار بوده و نقش کلیدی در پایداری اقتصادی جامعه ایفا می کند. اما با وجود این ثبات، میانسالان از نیازهای مهمی همچون حفظ و بهبود وضعیت شغلی، افزایش درآمد، تأمین نیازهای خانواده و برنامه ریزی مالی جهت دوران بازنشستگی رنج می برند.

همچنین، حمایت از مراقبت‌های طولانی مدت از طریق خدمات خانگی و کمک به موسسات مراقبتی، طراحی محیط‌های شهری دوستدار سالمندان (شامل بهبود حمل و نقل عمومی و فضاهای عمومی مناسب) و برگزاری دوره‌های آموزشی و اطلاع‌رسانی در زمینه‌های بهداشتی، مالی و فنی، از دیگر سیاست‌های کلیدی برای پاسخ به نیازهای اقتصادی سالمندان به شمار می‌آیند.

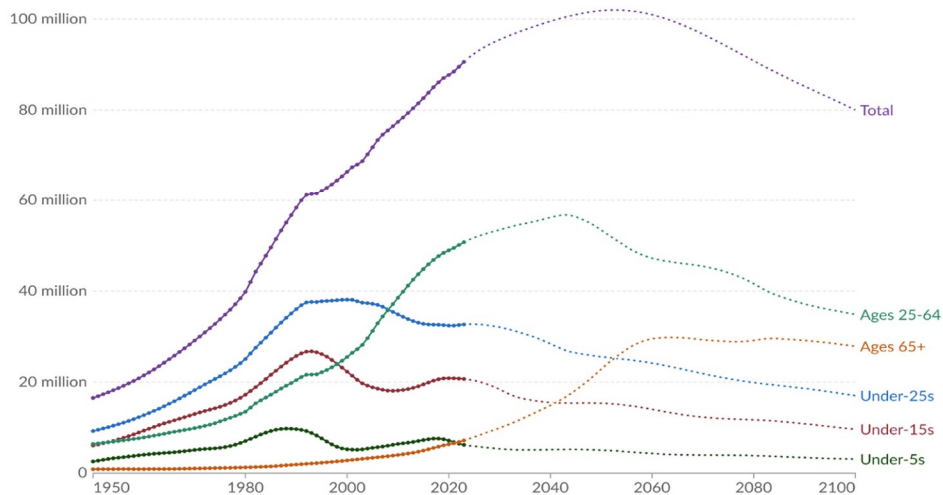
حال با توجه به نمودار (محور عمودی جمعیت و محور افقی سال نشان داده شده است). سوالی مطرح می‌شود مبنی بر اینکه کشوری که در آن مجموع جمعیت افراد دارای سن زیر ۶۵ سال رو به کاهش است و جمعیت بالای ۶۵ سال سن رو به فزونی (که این خود یک چالش عمیق جمعیتی به شمار می‌آید که هدف از این نوشتار بررسی آن نمی‌باشد) چه راه کار و سیاست‌هایی را باید در پیش گیرد. در حالی که جمعیت بیش از ۶۵ سال رو به افزایش است و جمعیت زیر ۱۵ سال رو به کاهش؛ در وهله اول باید برنامه‌های مدون در حوزه جمعیت و همچنین نکاتی که درباره نیازها و اقتضاعات این گروه سنی بیان شد، برای سال‌های آینده تهیه و تامین گردد و سپس می‌بایست توجه خود را بیشتر به نیازهای گروه سنی معطوف کنیم که در سال‌های آینده سهم جمعیت آن گروه بخش بیشتری از جمعیت کل کشور را به خود اختصاص خواهد داد.

۴- سالمندان (۶۵ سال به بالا): سالمندان بالای ۶۵ سال عمدتاً از بازار کار خارج شده و درآمدهای اصلی آن‌ها شامل حقوق بازنشستگی، پس‌اندازهای دوران کاری و کمک‌های دولتی است. به دلیل این وابستگی به منابع درآمدی ثابت و محدود، این گروه اقتصادی اغلب با چالش‌هایی در حفظ سطح زندگی مواجه هستند؛ زیرا هزینه‌های مرتبط با مراقبت‌های بهداشتی، مدیریت مالی و تأمین خدمات حمایتی اجتماعی به عنوان نیازهای اساسی آن‌ها مطرح می‌شود. سیاست‌های مناسب برای سالمندان باید چندین جنبه را در برگیرد تا کیفیت زندگی و رفاه این گروه افزایش یابد. ارائه خدمات بهداشتی و درمانی با کیفیت و قابل دسترس، به ویژه با تمرکز بر پیشگیری، درمان بیماری‌های مزمن و توانبخشی اهمیت ویژه‌ای دارد. ایجاد برنامه‌های امنیت مالی از جمله طرح‌های بازنشستگی و حمایت مالی به منظور تأمین شرایط اقتصادی سالمندان، بویژه در مواردی که تنها منبع درآمد آن‌ها حقوق بازنشستگی است، ضرورت دارد. علاوه بر این، حمایت اجتماعی از طریق برگزاری فعالیت‌های اجتماعی، تشکیل باشگاه‌های تخصصی و ایجاد برنامه‌های اجتماعی می‌تواند به ارتقای سلامت روانی و عاطفی آن‌ها کمک کند.

سیاست‌گذاری‌های مناسب برای میانسالان باید در حوزه‌های متعددی متمرکز گردد تا از تمامی جنبه‌های رشد و پایداری این قشر حمایت شود. ابتدا، در بخش بازار کار و اشتغال باید با ترویج آموزش و توسعه مهارت‌ها و اجرای برنامه‌های بازآموزی، فرصت‌های شغلی پایدار ایجاد گردد. از سوی دیگر، ارتقاء سلامت و بهداشت از طریق ارائه خدمات بهداشتی با کیفیت و مقرون به صرفه، به همراه برنامه‌های پیشگیرانه و تشویق به سبک زندگی سالم، می‌تواند از بروز بیماری‌های مزمن جلوگیری کند. علاوه بر این، ایجاد سیستم‌های کارآمد برای پس‌انداز و تأمین امنیت مالی در دوران بازنشستگی و ارائه مشاوره‌های مالی ضروری است. همچنین، با فراهم‌آوری سیاست‌هایی جهت ایجاد تعادل بین کار و زندگی (مانند سیاست‌های مرخصی با حقوق و امکان کار از راه دور) و ارائه حمایت‌های اجتماعی برای کسانی که با مسائل ویژه مانند مراقبت از سالمندان یا کودکان مواجه‌اند، می‌توان به بهبود کیفیت زندگی میانسالان دست یافت. تضمین آموزش مداوم و فرصت‌های یادگیری مادام‌العمر، آن‌ها را در مواجهه با تغییرات سریع فناوری و بازار کار توانمند می‌سازد و زمینه توسعه کلی جامعه را تقویت می‌کند.

Population by age group, Iran

Historic estimates from 1950 to 2023, and projected to 2100 based on the UN medium scenario¹.



Data source: UN, World Population Prospects (2024)

OurWorldinData.org/population-growth | CC BY

1. UN projection scenarios: The UN's World Population Prospects provides a range of projected scenarios of population change. These rely on different assumptions in fertility, mortality and/or migration patterns to explore different demographic futures. Read more: Definition of Projection Scenarios (UN)



با ارائه تسهیلات مالی، مشوق‌های مالیاتی و یارانه‌های ویژه جهت کاهش دغدغه‌های اقتصادی خانواده‌ها، می‌توان امنیت مالی لازم را برای کسانی که قصد تشکیل خانواده دارند، فراهم آورد. همچنین، تجهیز سیستم‌های بهداشتی و درمانی به کیفیت مطلوب، ایجاد مراکز مراقبت از کودک و راه‌اندازی مهدکودک‌های رایگان یا با هزینه کم، همراه با سیاست‌های مرخصی والدین و انعطاف‌پذیری در محیط‌های کاری، می‌تواند محیطی مساعد برای تولد و پرورش نسل جدید ایجاد کند.

در کنار این اقدامات، ترویج ارزش‌های خانواده از طریق برنامه‌های فرهنگی و

اجتماعی و آگاهی‌رسانی به جوانان درباره اهمیت زاد و ولد نیز از عوامل کلیدی است که می‌تواند باعث افزایش اعتماد به نفس خانواده‌ها و ترغیب آنان به بچه‌دار شدن شود.

از سوی دیگر برای ارتقای کیفیت زندگی سالمندان، ارائه خدمات بهداشتی و درمانی با کیفیت که دسترسی آسان را فراهم آورد، به همراه اجرای برنامه‌های مراقبت‌های طولانی‌مدت جهت حمایت مداوم از آن‌ها، امری ضروری است.

همچنین، طراحی محیط‌های دوستدار سالمند و ایجاد زیرساخت‌های مناسب شهری به تسهیل استفاده سالمندان از فضاهای عمومی کمک می‌کند.

در کنار این موارد، پشتیبانی روانی و عاطفی با ارائه برنامه‌های مشاوره و گروه‌های حمایتی، اهمیت ویژه‌ای دارد؛ به همین دلیل، برگزاری دوره‌های آموزشی و اطلاع‌رسانی موثر برای ارتقای آگاهی و توانمندی‌های آن‌ها ضروری است.

علاوه بر این، فعالیت‌های اجتماعی‌سازی و حمایت اجتماعی، نقش مهمی در ایجاد حس تعلق و کاهش انزوای اجتماعی سالمندان دارد و در نهایت، اجرای سیاست‌های امنیت مالی از طریق برنامه‌های بازنشستگی و حمایت‌های اقتصادی، زمینه تأمین درآمد پایدار و حفظ سطح معیشتی مطلوب را برای سالمندان فراهم می‌آورد.

تاریخچه مذاکرات ایران و آمریکا

به قلم :

سوگند سادات ساداتی

دانشجو کارشناسی اقتصاد

ورودی 401

و

محدثه ذاقلی

دانشجو کارشناسی اقتصاد

ورودی 402



روابط ایران و آمریکا پس از انقلاب اسلامی همواره با تنش و ابهام همراه بوده است. از همان ابتدا، سیاست‌های یکجانبه و خصمانه آمریکا، نقض تعهدات بین‌المللی و حمایت از اقدامات تفرقه‌افکنانه در منطقه، به عنوان پایه های اصلی اختلافات میان دو کشور عمل کرده است.

تحریم‌های ظالمانه، قطع روابط دیپلماتیک و دخالت‌های مداوم در امور داخلی ایران، شکافی عمیق و چالش‌هایی بی‌پایان را ایجاد کرده که تا امروز پابرجاست.

بی‌عهدی‌های تاریخی آمریکا، از نقض توافق‌های دوجانبه تا تشدید فشارهای اقتصادی و امنیتی علیه ایران، همواره به عنوان عاملی کلیدی در تشدید تنش‌ها نقش داشته است. مسائل هسته‌ای نیز با وجود پابندی ایران به تعهداتش در چارچوب برنامه جامع اقدام مشترک (برجام)، به دلیل خروج یکجانبه آمریکا از این توافق و بازگشت به سیاست‌های تحریمی، به یکی از پیچیده‌ترین بحران‌های بین‌المللی تبدیل شد.

اکنون که ایران بار دیگر در مرحله حساسی از تعاملات غیرمستقیم با آمریکا قرار گرفته است، مرور پیشینه این تعاملات و نقض عهدهای مکرر واشنگتن ضروری به نظر می‌رسد. تجربه دهه‌ها رویارویی نشان می‌دهد که هرگونه راهبرد مذاکره‌ای باید با در نظر گرفتن ماهیت غیرقابل اعتماد بودن و سیاست‌های دوگانه آمریکا طراحی شود تا از تکرار اشتباهات گذشته جلوگیری کند.

۱. مذاکرات دولت موقت با آمریکا (۱۳۵۸/۱۹۷۹)

نتیجه:

چند روز بعد، سفارت آمریکا در تهران به تصرف دانشجویان درآمد و دولت بازرگان استعفا داد. این اولین ضربه بزرگ به روابط دو کشور بود. پس از پیروزی انقلاب اسلامی، دولت موقت که متشکل از چهره‌های لیبرال و میانه‌رو بود، تلاش داشت مسیر دیپلماسی و حفظ روابط با کشورهای غربی را دنبال کند. در این راستا، مهدی بازرگان و ابراهیم یزدی در دیداری تاریخی با زبیر برونسکی، مشاور امنیت ملی وقت آمریکا، در الجزایر شرکت کردند.

زمینه:

پس از پیروزی انقلاب، دولت موقت (بازرگان و یزدی) تلاش داشتند رابطه با آمریکا را حفظ کنند.

مکان ملاقات:

الجزایر - دیدار با برونسکی (مشاور امنیت ملی کارتر)

درخواست‌های ایران:

- کمک امنیتی و نظامی برای ارتش
- استرداد شاه از آمریکا به ایران
- بازگرداندن اموال بلوکه‌شده پهلوی
- پاسخ آمریکا:
- وعده همکاری، ولی بدون تعهد مشخص

۴. مذاکرات درباره افغانستان
(۲۰۰۲-۲۰۰۱)

زمینه:

- سقوط طالبان پس از حمله آمریکا به افغانستان
- نقش ایران:
- کمک به شکل گیری دولت جدید در نشست بن (آلمان)

نتیجه:

- همکاری موفقیت آمیز، ولی آمریکا ناگهان ایران را "محور شرارت" نامید.
- روابط دوباره تخریب شد، ایران بار دیگر به عدم حسن نیت آمریکا پی برد.
- در سال ۲۰۰۱، سقوط طالبان فرصتی برای همکاری مشترک میان ایران و آمریکا فراهم کرد.
- ایران در کنفرانس بن به شکل گیری دولت جدید افغانستان کمک کرد و محمدجواد ظریف در هماهنگی با سردار شهید، حاج قاسم سلیمانی نقش کلیدی داشتند.
- این همکاری کوتاه مدت و موفق، با گنجاندن نام ایران در "محور شرارت" توسط جرج بوش نابود شد. این اقدام بی اعتمادی نسبت به آمریکا را در سطح حکومت ایران عمیق تر کرد و پیام روشنی داد که حتی همکاری مثبت نیز ضمانتی برای احترام متقابل از سوی آمریکا ندارد.

۵. مذاکرات درباره عراق
(۲۰۰۷-۲۰۰۳)

زمینه:

- آمریکا عراق را اشغال کرد، اما در ایجاد امنیت ناکام ماند.
- رفتار آمریکا:
- ابتدا دیپلمات های ایرانی را در اربیل دستگیر کرد.
- سپس تقاضای مذاکره کرد! سه دور مذاکره انجام شد در این مذاکرات، آمریکا دنبال تأمین امنیت خودش بود.
- ایران خواستار تحویل پرونده امنیت عراق به دولت منتخب عراق بود

نتیجه:

- به دلیل رفتار متناقض آمریکا (اتهام زنی و تقاضای مذاکره)، مذاکرات قطع شد.
- هدف آمریکا بجای حل واقعی بحران کنترل اوضاع بود.

۳. ماجرای «ایران-کنترا» یا ایران گیت
(۱۹۸۵-۱۹۸۶)

زمینه:

- نیاز ایران به سلاح (وجود تحریم)
- آمریکا به دنبال آزادی گروگان های خود در لبنان بود
- اقدامات:
- اسرائیل واسطه شد و سلاح آمریکایی برای ایران فرستاد
- مک فارلین، مشاور ریگان، مخفیانه با کیک انجیل به تهران سفر کرد!

نتیجه:

- هیأت آمریکایی در ایران جدی گرفته نشد.
- مذاکرات شکست خورد.
- افشای روزنامه الشراع لبنان، رسوایی بزرگی برای آمریکا ایجاد کرد.
- به دلیل همین ماجرا، دولت ریگان ضربه سیاسی سنگینی خورد.
- ایران هم گفت بابت گروگان ها پولی نداده است بلکه پول ها بابت سلاح بوده است.



ایران به دنبال تهیه سلاح برای مقابله با عراق بود، اما تحت شدیدترین تحریم های تسلیحاتی قرار داشت.

در همین زمان، آمریکا تلاش می کرد گروگان های خود در لبنان را آزاد کند و این دو نیاز به هم گره خوردند. با وساطت اسرائیل و دلالان بین المللی، معامله ای محرمانه شکل گرفت. مک فارلین، مشاور ریگان، به همراه کیک و انجیل وارد تهران شد تا پیام صلح را منتقل کند. اما این سفر با بی توجهی مسئولان ایرانی روبه رو شد و ملاقات با هیئت آمریکایی صورت نگرفت. بعدتر، افشای این ماجرا توسط رسانه ها به یکی از بزرگ ترین رسوایی های سیاسی تاریخ آمریکا تبدیل شد و باعث ضربه شدید به دولت ریگان شد.

هدف این دیدار تلاش برای حفظ روابط سیاسی و اقتصادی با آمریکا بود.
در این نشست، سه خواسته مطرح شد:

- ۱- همکاری نظامی برای بازسازی ارتش،
- ۲- استرداد شاه جهت محاکمه و
- ۳- بازگرداندن دارایی های بلوکه شده ایران.

گرچه برژینسکی پاسخ صریحی نداد، اما ادبیات کلی او نشان می داد آمریکا به دنبال تداوم روابط است.

در ادامه، ماجرای لانه جاسوسی، نقطه عطف روابط ایران و آمریکا شد.
پذیرش شاه در بیمارستانی در نیویورک و سابقه طولانی توطئه های آمریکا، موجب خشم عمومی شد و دانشجویان انقلابی در ۱۳ آبان ۱۳۵۸ سفارت آمریکا را تسخیر کردند.
این حادثه موجب تشدید تنش شد.
تلاش های آمریکا برای آزادی گروگان ها از طریق تحریم و حتی عملیات نظامی طیس با شکست مواجه شد.

در نهایت، پس از یک سال و دو ماه، با میانجی گری الجزایر، بیانیه ای امضا شد که بر اساس آن، گروگان ها آزاد شدند و آمریکا متعهد به عدم دخالت در امور داخلی ایران و آزادسازی پول های بلوکه شده شد.
اما آمریکا به تعهداتش پایبند نماند و تحریم های نظامی و سیاسی ادامه یافت. در همین دوره، آمریکا عملاً به حمایت از عراق در جنگ با ایران روی آورد.

۲. تسخیر سفارت آمریکا
(۱۳ آبان ۱۳۵۸ - دی ۱۳۵۹)

تعداد گروگان ها: ۵۲ نفر
مدت زمان: ۴۴۴ روز
واسطه مذاکرات:

- دولت الجزایر
- خواسته های ایران:
- بازگرداندن اموال بلوکه شده
- تعهد آمریکا به عدم دخالت

نتیجه مذاکرات:

- بیانیه الجزایر امضا شد، گروگان ها آزاد شدند.
- آمریکا وعده داد که دیگر در امور داخلی ایران دخالت نکند (که طبق معمول به وعده های خود عمل نکرد).
- پول های ایران بازگشت داده شد، ولی تحریم تسلیحاتی ادامه داشت.



آمریکا به تعهدات خود نیست. بازگشت تحریم‌ها و فشار حداکثری باعث تضعیف شدید اعتماد عمومی و حاکمیتی نسبت به تعامل با آمریکا شد.

۸. دولت بایدن و مذاکرات جدید (۲۰۲۱-۲۰۲۳) وضعیت:

- مذاکرات غیرمستقیم در وین و دوحه
- سه بار به آستانه توافق نزدیک شدند
- اما اختلافات باقی ماند.

نتیجه:

- توافقی حاصل نشد
- ایران از گفت‌وگوی مستقیم با آمریکا خودداری کرد.

با نگاهی کوتاه به تاریخچه مذاکرات ایران و آمریکا در دوران پس از انقلاب و بدعهدی‌های مکرر و تاریخی این کشور در برابر ایران و سایر کشورها می‌توان به این نتیجه رسید که ظرفیت‌های اقتصادی کشور نباید معطل مذاکرات کنونی باقی بماند و همچنین بهترین راهبرد برای مذاکره با دولت فعلی آمریکا همان راهبردی است که رهبر انقلاب در دیدار با مسئولان وزارت امور خارجه و سفیران کشور برای روابط خارجی کشور تبیین کردند و فرمودند که سیاست خارجی کشور باید مبتنی بر "عزت، حکمت و مصلحت" باشد.

مسائل جنجالی‌تری مثل حقوق بشر و تروریسم را وارد مذاکره کرد. ایران این رفتار را ناقض توافق اولیه دانست و مذاکره عملاً در همان مرحله ابتدایی متوقف شد.

۷. مذاکرات دولت روحانی و برجام (۲۰۱۳-۲۰۱۵) شروع:

- تماس تلفنی روحانی و اوباما در نیویورک
- مذاکرات مستقیم ظریف و جان کری

نتیجه:

- امضای برجام در سال ۲۰۱۵
- تعهد ایران به کاهش فعالیت‌های هسته‌ای
- در ازای رفع برخی تحریم‌ها مشکلات برجام:
- برخی امتیازات بیش از حد داده شد.
- آمریکا در دوره ترامپ (۲۰۱۸) از توافق خارج شد.
- تحریم‌ها برگشت، ایران و ناامید شد.
- با روی کار آمدن دولت روحانی، امیدواری به حل و فصل اختلافات از مسیر دیپلماسی بیشتر شد.
- تماس تلفنی تاریخی روحانی و اوباما و جلسات مستقیم ظریف با جان کری، به امضای برجام در سال ۲۰۱۵ منتهی شد.
- ایران تعهدات گسترده‌ای را در محدودسازی فعالیت‌های هسته‌ای خود پذیرفت و در مقابل، وعده رفع تحریم‌ها دریافت کرد.
- اما با روی کار آمدن ترامپ و خروج آمریکا از برجام در سال ۲۰۱۸، مشخص شد که این توافق نیز ضمانتی برای پایداری

در عراق نیز پس از اشغال توسط نیروهای آمریکایی، بحران امنیتی گسترده‌ای شکل گرفت. آمریکا با وجود ادعای بی‌نیازی به ایران، در عمل برای کنترل اوضاع ناگزیر به مذاکره با تهران شد. در سه دور مذاکره، ایران رویکردی منطقی اتخاذ کرد، اما اقدامات خصمانه آمریکا مانند حمله به کنسولگری ایران در اربیل و بازداشت دیپلمات‌ها، مذاکره را بی‌نتیجه گذاشت. تحلیل‌ها نشان می‌داد که آمریکا بجای امنیت واقعی عراق یا تعامل سازنده با ایران تنها به دنبال حفظ منافع خود بود.

۶. گفت‌وگوی سعید جلیلی و ویلیام برنز در (۲۰۰۹)

موضوع:

- پرونده هسته‌ای در ژنو و در حاشیه مذاکرات ایران با ۵+۱
- رفتار آمریکا:
- صحبت در موضوعات خارج از چارچوب مانند حقوق بشر و تروریسم

نتیجه:

- مذاکره از همان ابتدا به نتیجه نرسید.
- ایران انحراف را نپذیرفت و گفت‌وگو بی‌نتیجه ماند.
- در سال ۱۳۸۸، دیداری کوتاه بین سعید جلیلی و ویلیام برنز در ژنو، در حاشیه مذاکرات ایران با ۵+۱ انجام شد.
- با اینکه موضوع رسمی پرونده هسته‌ای ایران بود، طرف آمریکایی مسائل

محمد هاشم پسران



در صورتی که اجماعی وجود نداشته باشد، سیاست‌های اقتصادی متلاطم خواهند شد و تصمیم‌گیری‌ها عقب می‌افتند. این اقتصاددان ایرانی در ادامه گفت: "ظهور ارزهای دیجیتال می‌تواند منجر به تعادل بهتری در نظام پولی دنیا بشود، زیرا می‌تواند انحصار پولی دلار در سطح جهان را کاهش دهد. با این حال این امر خود می‌تواند منجر به تلاطمات بیشتر در حوزه پولی بشود. به همین دلیل نظارت بانک مرکزی در حوزه رمزارزها بسیار ضروری است." در ادامه به تحریم‌های ایران و اثر آن بر اقتصاد آمریکا اشاره کرد و گفت: "این تحریم‌ها می‌تواند در بلندمدت باعث تضعیف ارزش دلار بشود؛ به خصوص در صورتی که این تحریم‌ها در رابطه با چین و روسیه نیز اعمال شوند." او همچنین تحریم‌ها را یکی از عوامل اثرگذار بر نرخ ارز دانست و نرخ ارز را عاملی مهم در تبیین نوسانات نرخ تورمات ایران مطرح کرد، به همین دلیل برای اجرای اصلاحات اقتصادی نباید منتظر ماند تا تحریم‌ها رفع شوند و همه اصلاحات باید با وجود تحریم‌ها اجرایی شوند.

منابع:

۱. مرکز تحقیقات سیاست اقتصادی

cepr.org

۲. موسسه تفکر نوین اقتصادی

ineteconomics.org

۳. روزنامه دنیای اقتصاد

donya-e-eqtasad.com

در مجلات علمی برجسته ویرایش شده در زمینه‌های اقتصادسنجی، مالی تجربی و اقتصاد کلان و اقتصاد ایران دارد و متخصص اقتصاد نفت و خاورمیانه است. او در سال‌های ۲۰۱۴ تا ۲۰۱۵ توسط تامسون رویترز به عنوان یکی از تاثیرگذارترین ذهن‌های علمی جهان معرفی شد. وی بیش از ۲۰۰ مقاله منتشر شده در مجلات علمی برجسته و جلد‌های ویرایش شده در زمینه‌های اقتصادسنجی، مالی تجربی و اقتصاد کلان و اقتصاد ایران دارد. جدیدترین کتاب او سری زمانی و اقتصادسنجی داده‌های تابلویی توسط OUP منتشر شد. ضمن اینکه اقتصاد نفت و خاورمیانه نیز یکی از اصلی‌ترین زمینه‌های تخصصی او به حساب می‌آید. محمد هاشم پسران که نامش بخاطر مشارکت‌های مهم او در حوزه اقتصادسنجی بارها به عنوان نامزد دریافت نوبل اقتصاد شنیده شده است به تازگی در گفت و گویی مجازی با موسسه توسعه و تحقیقات دانشگاه تهران به مطالعات خود در رابطه با اقتصاد ایران اشاره کرد که اصطلاحات اقتصادی در کشور، باید فارغ از مساله تحریم‌ها پیگیری شود و در این راستا، حذف نرخ ارز ترجیحی یکی از مهم‌ترین اقداماتی است که باید در دستور کار سیاست‌گذاران اقتصادی قرار بگیرد. محمد هاشم پسران به این موضوع اشاره کرد که: "دولت‌های ایران نمی‌خواهند قیمت کالاهای اساسی مردم در ایران افزایش یابد و به همین دلیل نرخ‌های ارز چندگانه‌ای را به وجود می‌آورند که قیمت‌های متنوعی را در اقتصاد برای نرخ ارز به وجود می‌آورد، اما این تعدد نرخ ارز، شرایط را برای مردم بهبود نمی‌دهد. به همین دلیل یکی از مهم‌ترین کارهایی که دولت باید انجام دهد از بین بردن نظام ارز چندنرخه است. (پسران در رابطه با زمان‌بر بودن اجرای اصلاحات اقتصادی اشاره می‌کند: "در زمان بروز مشکلات اقتصادی نباید از نظام تک نرخ به سوی نظام چندنرخه حرکت کرد، زیرا نظام چندنرخه بذر ناهنجاری‌های زیادی را در اقتصاد کشور می‌کارد"). او افزود: "به صورت کلی، در اجرای سیاست‌های اصلاحی باید نوعی اجماع وجود داشته باشد. ممکن است چند سال زمان ببرد تا سیاست‌های اقتصادی جواب بدهند و نباید بخاطر اینکه این سیاست‌ها در سال‌های اول جواب ندادند، آن‌ها را کنار گذاشت.

به قلم:

فاطمه زهرا یعقوبی

دانشجو کارشناسی اقتصاد
ورودی 403



دکتر محمد هاشم پسران در شیراز متولد شد. وی دیپلم خود را از مدرسه نمازی شیراز گرفت و در آبان ۱۳۴۳ با بورسیه تحصیلی از بانک مرکزی ایران برای ادامه تحصیل عازم انگلستان شد. او مدرک لیسانس خود را در اقتصاد، ریاضیات و آمار در دانشگاه سالفورد (انگلیس) و دکترای خود را در اقتصاد از دانشگاه کمبریج دریافت کرد. در حال حاضر، او استاد بازنشسته اقتصاد در دانشگاه کمبریج، کرسی ممتاز جان الیوت در اقتصاد در دانشگاه کالیفرنیا جنوبی و عضو استاد کالج تربیتی، کمبریج است. وی پیش از این رئیس اداره تحقیقات اقتصادی بانک مرکزی ایران (۷۶-۱۳۵۳) و معاون وزیر آموزش و پرورش (۷۸-۱۳۵۵) بود. او همچنین استاد اقتصاد و مدیر برنامه اقتصادسنجی کاربردی در UCLA (۱۳۸۹-۹۳) و استاد مدعو در موسسه مطالعات پیشرفته در وین، دانشگاه پنسیلوانیا و دانشگاه کالیفرنیا جنوبی بوده است، جایی که او به عنوان مدیر موسسه کالج USC برای تحقیقات سیاست اقتصادی از اکتبر ۲۰۰۴ تا آوریل ۲۰۰۶ خدمت کرده است. او عضو آکادمی بریتانیا، عضو انجمن اقتصادسنجی و عضو مجله اقتصاد سنجی است. در سال ۱۹۹۳ از دانشگاه سالفورد و در سال ۲۰۰۸ از دانشگاه گوته فرانکفورت دکترای افتخاری دریافت کرد. او برنده جایزه جورج سل در سال ۱۹۹۰ از موسسه نفت لندن، جایزه انجمن اقتصادی سلطنتی در سال ۱۹۹۲ برای بهترین مقاله منتشر شده در مجله اقتصادی برای سال‌های ۱۹۹۰ و ۱۹۹۱ هم بوده است. او سردبیر ژورنال اقتصادسنجی کاربردی و یکی از توسعه‌دهندگان Microfit، یک بسته نرم‌افزاری اقتصاد سنجی است که توسط انتشارات دانشگاه آکسفورد منتشر شده است. وی عضو هیئت امنای مجمع تحقیقات اقتصادی کشورهای عربی، ایران و ترکیه بوده و به عنوان عضو شورای مشاوران بانک جهانی برای خاورمیانه و شمال آفریقا، (۲۰۰۰-۱۹۹۶) خدمت کرده است. پسران بیش از ۱۷۵ مقاله در

پادکست نوروزی

گردآورنده:

زینب سادات میرآقایی

دانشجو کارشناسی اقتصاد

ورودی 403



در انتها باید گفت که پادکست نوروزی نمونه‌ای از یک تلاش صادقانه برای ایجاد ارتباط، همدلی و آگاهی بخشی بود، با وجود چالش‌های زمان و امکانات، تیم تولید با پشتکار و عشق به کار توانست این محتوای ارزشمند را ارائه دهد. با تشکر فراوان از دبیر انجمن علمی دانشجویی اقتصاد، جناب آقای محسن فرخنده عمل اقدام و همچنین کانون رسانه و فضای مجازی دانشگاه صنعتی شاهرود که مارا در تهیه این پادکست یاری نمودند.

در روزهای پایانی اسفندماه سال ۱۴۰۳ گروهی از دانشجویان و علاقمندان به رسانه با شور و اشتیاق گرد هم آمدند، تا با تولید پادکستی تحت عنوان پادکست نوروزی لحظاتی شاد و دلگرم کننده ای برای شنوندگان رقم بزنند و در عین حال به چالش‌های اقتصادی جامعه بپردازند. این پادکست تلفیقی دلنشین از عید نوروز و ماه مبارک رمضان بود که در فضای گرم و خانوادگی، موضوعات مهمی هم‌چون ازدواج، مسکن، اشتغال و دغدغه‌های اقتصادی را مطرح کرد.

پادکست نوروزی نوسان نه تنها به دنبال ایجاد لحظاتی خاطره‌انگیز و شاد بود بلکه تلاش داشت مشکلات واقعی زندگی مردم را به تصویر بکشد و بستری برای شنیدن دغدغه‌های آنها فراهم کند. حضور پدربزرگ و مادر بزرگ، صمیمیت خانواده و فضای دوستانه‌ای که در گفتگوها جریان داشت، باعث شد تا شنوندگان بتوانند با موضوعات مطرح شده احساس نزدیکی بیشتری داشته باشند.

در کنار این‌ها مهم‌ترین چالش‌های اقتصادی جامعه نظیر ازدواج و هزینه‌های آن، دشواری خرید خانه، بیکاری، کاهش زمان والدین برای فرزندان نیز در این پادکست مورد بحث قرار گرفت.

مباحث کلیدی مطرح شده در این پادکست ترکیبی از سنت و معنویت، حفظ فرهنگ، گفت و گو، نقش بنیادی خانواده و کمک گرفتن از تجربیات بزرگترها و خانواده جهت مواجه شدن با چالش‌های زندگی هست، که در کنار این‌ها چالش‌های اقتصادی و اجتماعی مثل هزینه‌های سنگین و چالش‌های مالی جوانان، دشواری تامین خانه و تاثیرات آن بر زندگی زوج‌های جوان، مشکلات افراد تحصیل کرده در یافتن شغل متناسب با مهارت‌های خود، تاثیر ساعات کاری طولانی والدین بر تربیت فرزندان، فکر شنونده را به تأمل برمی‌انگیزد.



نشریه نوسان تقدیم میکند

نشریه اقتصادی انجمن علمی دانشجویی اقتصاد
دانشگاه صنعتی شاهرود

پادکست ویژه نوروز
1404

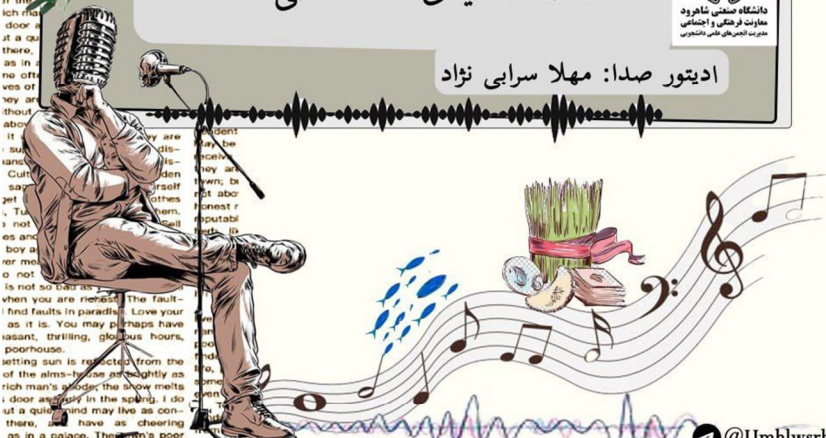
سرپرست گویندگان: داتام بوستانی
نویسندگان: زینب سادات میرآقایی
ابوالفضل جورابچی

گویندگان:
داتام بوستانی. زینب سادات میرآقایی
مهدی هیتی. امیر مسعود رضی آبادی
فاطمه جمشیدی. محدثه ناظمی

ادیتور صدا: مهلا سربابی نژاد



کانون رسانه و فضای مجازی
دانشگاه صنعتی شاهرود
معاونت فرهنگی و اجتماعی
مدیریت انجمن علمی دانشجویی



@Umhlwsrb

باور کنید یا نه ! ...

به قلم :

فاطمه علیپور

دانشجو کارشناسی اقتصاد

ورودی 402



و



محدثه ذاقلی

دانشجوی کارشناسی اقتصاد

ورودی 402

۸. آیا می دانید در سوئد، دانمارک و نروژ بسیاری از فروشگاه ها دیگر پول نقد قبول نمی کنند و تنها پرداخت دیجیتالی انجام می شود!

۹. آیا میدانید در انگلیس قرن ۱۷، مردم مجبور بودند برای داشتن ریش، مالیات بدهند!

همچنین در ونیز قرن ۱۸، سایه ها هم مشمول مالیات بودند، به گونه ای که اگر خانه ای سایه ای روی خیابان می انداخت، مالک باید مالیات آن را پرداخت می کرد!

۱۰. آیا می دانید که بر اساس گزارش "شاخص جهانی نوآوری" (GII) در سال ۲۰۲۳، از میان ۱۳۲ کشور، سوئیس، سوئد و ایالات متحده آمریکا به عنوان نوآورترین اقتصادهای جهان شناخته شده اند و این در حالی است که ایران رتبه ۶۲ را به خود اختصاص داد؟ این شاخص، عملکرد نوآوری کشورها را بر اساس شاخص های مختلفی مانند سرمایه گذاری در تحقیق و توسعه، تولید دانش و فناوری، و خلاقیت اندازه گیری می کند.

۴. آیا می دانید که درآمد بیشتر همیشه به معنای خوشحالی بیشتر نیست؟

تحقیقات نشان داده اند که پس از رسیدن به درآمد سالانه حدود ۷۵,۰۰۰ دلار، سطوح خوشحالی به طور معمول ثابت می ماند و عوامل دیگری نیز بر خوشحالی تأثیر دارند.

۵. آیا می دانید اپل بیش از ۲۰۰ میلیارد دلار پول نقد دارد که بیشتر از ذخایر ارزی بسیاری از کشورها است!

۶. آیا می دانید الماس، برخلاف باور عمومی کمیاب نیست بلکه شرکت های تولیدکننده برای حفظ قیمت، عرضه آن را کنترل می کنند!

۷. آیا می دانید که بر اساس گزارش صندوق بین المللی پول (IMF) در آوریل ۲۰۲۴، بدهی جهانی (شامل بدهی دولت ها، شرکت ها و خانوارها) در سال ۲۰۲۳ به رکورد ۳۰۷ تریلیون دلار رسیده است؟

این رقم حدود ۳۳۶٪ تولید ناخالص داخلی (GDP) جهان است.

۱. آیا می دانید که بر اساس گزارش مجمع جهانی اقتصاد، شکاف جنسیتی در اقتصاد جهان به این معناست که زنان به طور متوسط ۶۸ سنت به ازای هر دلاری که مردان دریافت می کنند، درآمد دارند؟ این نشان دهنده نابرابری جنسیتی در پرداخت ها است.

۲. آیا می دانید در اقتصاد، سیاستی، تحت عنوان انقباض مالی انبساطی (ریاضت انبساطی) وجود دارد که حتی در نامش نیز تناقض دارد؛ این سیاست پیش بینی می کند که تحت شرایط خاص، کاهش عمده در هزینه های دولت که انتظارات آینده در مورد مالیات و هزینه های دولت را تغییر می دهد، مصرف خصوصی را افزایش می دهد و در نتیجه باعث گسترش کلی اقتصاد می شود. این فرضیه توسط فرانچسکو جباواری و مارکو پاگانو در سال ۱۹۹۰ در مقاله ای که از تجدید ساختار مالی دانمارک و ایرلند در دهه ۱۹۸۰ به عنوان نمونه استفاده می کرد، معرفی شد

۳. آیا می دانید نروژ اولین کشوری در جهان است که تقریباً تمام خودروهای جدید فروخته شده در آن برقی هستند که نشان دهنده ی تغییر بزرگ در بازار خودروسازی است!



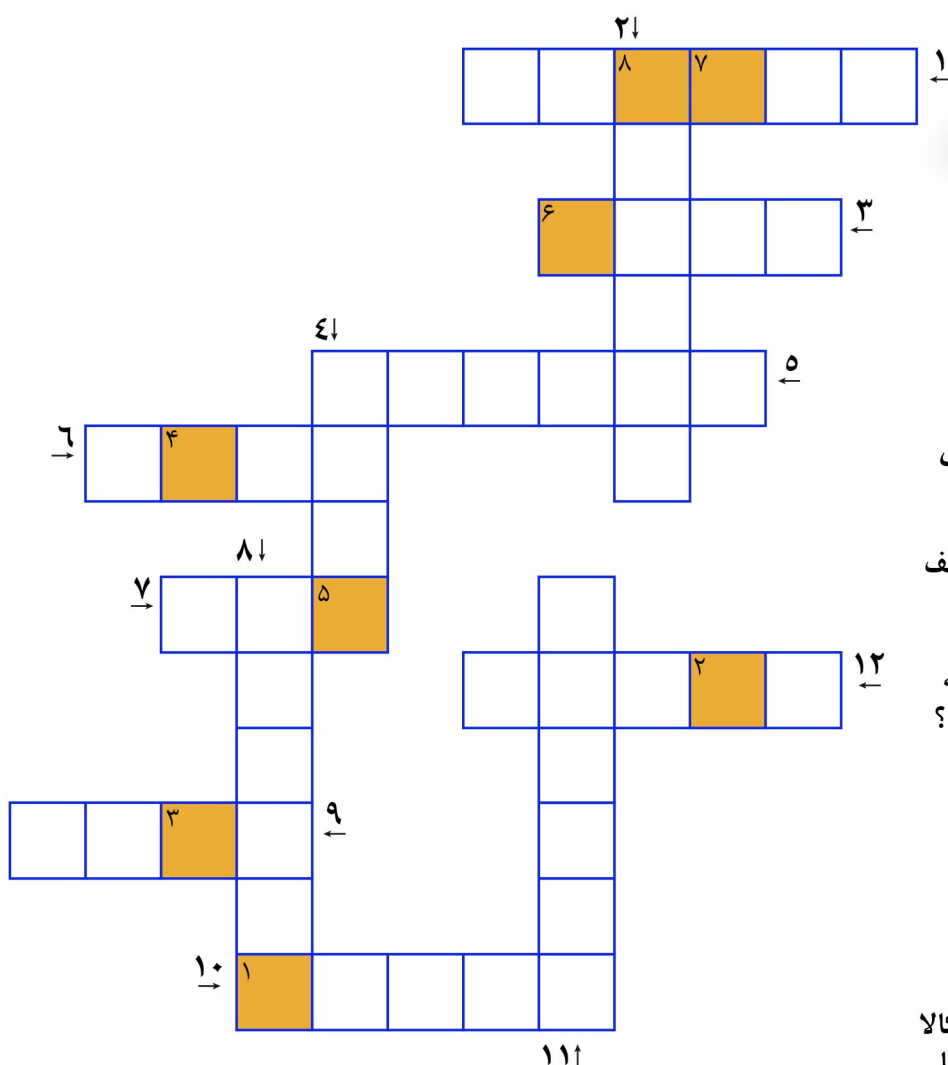
جدول اقتصاد

طراحان :

فاطمه علیپور

دانشجو کارشناسی اقتصاد
ورودی 402

محدثه ذاقلی

دانشجوی کارشناسی اقتصاد
ورودی 402

رمز جدول :

--	--	--	--	--	--	--	--	--	--	--

۱. اصلی ترین منبع درآمد دولت چیست ؟

۲. کمک رسانی دولت به شهروندان ؟

۳. پدیده اقتصادی که در آن قدرت خرید پول کاهش و قیمت ها به طور کل افزایش می یابد ؟

۴. وضعیتی که در آن رشد اقتصادی متوقف میشود ؟

۵. وضعیتی که در آن یک فروشنده عرضه یک کالا را در دست داشته و رقیبی ندارد ؟

۶. احتمال از دست دادن کل یا بخشی از سرمایه از دید یک سرمایه گذار ؟

۷. منفعت یا معیاری برای تعیین موفقیت مالی در یک کسب و کار ؟

۸. چه موردی باعث افزایش عرضه یک کالا در یک کشور میشود بدون آنکه تولید داخلی افزایش یابد ؟

۹. پول رایج معاملات بین المللی نفت خام ؟

۱۰. میل و رغبت خریدار برای خرید یک کالا ؟

۱۱. نوعی خیانت در امانت که توسط کارمندان و کارکنان بخش دولتی و عمومی صورت میگیرد ؟

۱۲. نام این نشریه چیست ؟

نویسان

NAVASAN

